

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تدبیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دقت تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

نام نشریه:

تدبیر ماه

تنظیم و نشر:

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه  
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

نوبت چاپ:

اول

شماره:

(تیر و مرداد ۹۵) ۱۰۱

تاریخ چاپ:

شهریور ۱۳۹۵

شمارگان:

۳۰۰۰ نسخه

چاپ:

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه



# فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه .....	۷
حدیث .....	۱۰
تدابیر تربیتی و معنوی .....	۱۳
تدابیر آموزشی .....	۵۱
تدابیر فرهنگی و هنری .....	۵۷
تدابیر مدیریتی .....	۶۳
تدابیر طرح و برنامه‌ای .....	۶۷
تدابیر سیاسی و اجتماعی .....	۷۷
تدابیر دفاعی و رزمی .....	۱۵۹
تدابیر اقتصادی و مالی .....	۱۷۳
تدابیر امنیتی و حفاظتی .....	۱۸۵
تدابیر حقوقی و قانونی .....	۱۸۷
تدابیر برون مرزی .....	۱۹۳
پی‌نوشت‌ها .....	۲۰۴

## معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: [www.pasdar.org](http://www.pasdar.org)



# سبک‌دلی

شهریور ماه در تاریخ انقلاب اسلامی و کشور ایران، یادآور رخدادها و مناسبت‌های مهم و حائز اهمیت است:

- حماسه خونین ۱۷ شهریور، حرکتی که در روز ۱۷ شهریور ۵۷ بدست جلادان شاه به خون نشست، دارای هدف مقدسی بود که مردم قهرمان با نثار خون هزاران جوان در صدد و تثبیت آن بودند.
- شهادت مجاهد انقلابی و مبارز خستگی ناپذیر شهید اندرزگو به دست جلادان رژیم شاه
- تهاجم وحشیانه و گسترده رژیم بعثی صدام به فرمان و حمایت استکبار جهانی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

- اقدام به ترورها و انفجارها توسط مزدوران استکبار و منافقین کور دل و شهادت یاران امام و ارکان نظام در سال ۱۳۶۰ که موارد ذیل می باشد:

هشتم شهریور انفجار دفتر نخست وزیری و  
 شهادت یاران عزیز امام و ملت، رجایی و باهنر  
 انفجار نماز جمعه تبریز و شهادت شهید محراب  
 آیت الله قدوسی و همراهان در ۱۴ شهریور  
 انفجار نماز جمعه تبریز و شهادت شهید محراب  
 آیت الله مدنی در بیستم شهریور، که همه این موارد  
 نشان دهنده دشمنی استکبار جهانی به خصوص  
 آمریکای خیانتکار با نظام مقدس جمهوری اسلامی  
 و ملت بزرگ ایران است. این کینه‌توزی‌های دشمن  
 با مدرن شدن دنیای امروز در شکل و ابعاد جدید  
 خود هنوز به شدت ادامه دارد.

بد عهدی و بی‌اعتمادی که آمریکا در موضوع  
 برجام از خود نشان داد، ادامه همان ظلم، خباثت و  
 دشمنی با ملت بزرگ ایران و نظام مقدس جمهوری  
 اسلامی است. گذشت زمان در تاریخ نظرات و  
 ایده‌های حضرت امام خمینی علیه السلام که فرمودند: آمریکا  
 شیطان بزرگ است را بیشتر نمایان ساخت، و

فرمایش مقام معظم رهبری علیه السلام را در دنیا اثبات نمود

که فرمودند: به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد.

از سوی دیگر شهریور ماه مقرر است با ماه با

عظمت ذی‌حجه که منور و مزین می‌شود با سال‌روز

ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهما السلام و با

توالی دو عید بزرگ اسلامی (عید قربان و غدیر)

سرور و شادمانی خاصی خواهد داشت.

ضمن تبریک این ایام‌نورانی، و تبریک سال

دوازدهم انتشار نشریه «تدبیر ماه»، بدین وسیله

یکصدویکمین شماره که برگزیده رهنمودها و تدابیر

از چشمه زلال بیانات امام‌خامنه‌ای علیه السلام در مرداد و

شهریور سال جاری است، تقدیم می‌گردد.

بدان امید که رهگشای شما پاسداران پاک‌دست و

عاشقان ولایت در تحقق اهداف بزرگ

انقلاب اسلامی باشد. ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

\* \* \*

## حدیث

عن امیرالمؤمنین: علیه السلام،  
إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ؛ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى  
الْإِخْوَانِ، وَيَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ.<sup>۱</sup>

الشافعی ص ۷۱۰

توضیح مقام معظم رهبری رحمته الله علیه:

مراء به معنای بحث کردن و مجادله کردن و  
یک و دو کردن با یکدیگر است. علت این که از  
مراء و جدال و بحث‌های بی‌خودی و مناقشات  
گوناگون در کلمات یکدیگر منع شده، این است که  
منجر به ایجاد کدورت می‌شود، انسان را نسبت  
به برادران دینی خود بددل می‌کند، موجب

---

۱ \_ امیرالمؤمنین: علیه السلام، فرمود:

از مجادله و ستیزه کردن بپرهیزید؛ زیرا این دو کار دل‌ها را  
نسبت به برادران بیمار می‌کنند و نفاق را می‌رویند.

روئیدن گیاه شوم نفاق در دل‌ها می‌شود. این که برادران دینی محیط صفا و برادری و یکرنگی را با مجادلات و مباحثات بی‌خودی، آلوده نکند، نکته اساسی و مهمی است. البته آنجایی که واقعا باطلی وجود دارد، انسان باید بحث کند، حتما تبیین کند، به انواع و اقسام طرق از جمله جدال احسن آن باطل را ابطال کند. این، محل کلام نیست، مراد همین بحث‌های غالباً سیاسی، و گاهی باطن‌ا سیاسی و ظاهراً دینی یا اخلاقی است، که بین برادران هست، با ابزارهای مختلف ارتباطات، روز به روز افزایش پیدا کرده، این فرد یک مطلبی در سائیتی می‌نویسد، شخص دیگر علیه اون می‌نویسد، این نسبت به او بدگویی می‌کند، آن دیگری هم به این بدگویی می‌کند. مرء و جدال با قطع نظر از بدگویی‌ها، فحش، تهمت، غیبت و افترا از گناهان بزرگی است. اگر این چیزها هم نباشد، صرف مرء و جدال و مباحثات بی‌خود و مناقشات بی‌خود، شرعا مذموم است. اگر بگوئیم از بعضی روایات، حرمت مرء فهمیده می‌شود، قدر مسلم این است که در شرع مقدس یک امر بسیار مذمومی است، به خاطر همین آثار سوئی که

---

---

در روابط بین برادران باقی می‌گذارد و آن محیط صفا و صمیمیت و اعتماد به یکدیگر را از بین می‌برد. اینها چیزهایی است که باید بخوانیم و بدانیم برای عمل کردن است، صرف دانستنش کافی است.

جلسه چهارصد و پنجاه و نهم درس خارج فقه ۱۳۹۰/۱۱/۲۴



# تدابیر تربیتی و معنوی

• ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

• تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

• اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

## ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

### قدردانی از خانواده‌های شهدا

خانواده‌های شهدا خیلی عزیزند. من همیشه عرض کرده‌ام که در سنگر مقدّم دفاع از ارزش‌ها و دفاع از انقلاب و دفاع از اسلام و دفاع از قرآن، شهیدان ما هستند و بلافاصله پشت سر این‌ها خانواده‌هایند؛ پدرها، مادرها، همسرها، فرزندان؛ این را باید قدر دانست. تأثیرات این شهادت‌ها برای اسلام و مسلمین چیز کمی نیست.<sup>۳</sup>

## توسّل و تقرّب به

### ارواح مطهر شهیدان

خب!، ایّام هم ایّام دعا و تضرّع و توسّل و مانند این‌هاست. یکی از ابزارهای توسّل و تقرّب به پروردگار، توجّه به ارواح مطهر شهیدان است. یعنی ما در این شب‌ها - چه شب‌های قدر، چه کلّ شب‌های ماه‌رمضان که هر کدام یک ماجرای است، یک داستانی است هر یک از شب‌ها به‌تنهایی - اگر می‌خواهیم توسّل بجویم، تضرّع کنیم، دعای مستجاب داشته باشیم، بایستی از ارواح متعالی استشفاع (درخواست شفاعت کردن) کنیم، آن‌ها را شفیع قرار بدهیم و یکی از این مجموعه‌های متعالی، همین شهدای عزیز ما هستند. و خانواده‌های شهدا این فرصت را دارند - چه پدرها و مادرها، چه فرزندان، چه همسرها، چه بقیه بستگان که از ارواح شهیدان عزیزشان که دل‌های این‌ها بسته به آن‌هاست، استمداد کنند برای تقرّب به خداوند.<sup>۳</sup>

## مجاهدت مسلمانان

### با توکل و توسّل

راه، راه اسلام است، راه، راه توکل به خداست،  
راه، راه توسّل به درگاه عزّ الهی است، راه، راه  
ایمان است؛ راه درست این است. ملّت، با ایمان، با  
مجاهدت، با عزم راسخ می‌تواند همه این موانع را  
از پیش پای خود بردارد. بحمدالله امروز مؤمن  
مجاهدِ فعّال هم کم نداریم؛ هم در کشور خودمان،  
هم در کشورهای دیگر، که ملاحظه می‌کنید امروز  
از کشورهای مختلف در مقابل این هجمه‌های  
مزدوران آمریکا و اسرائیل ایستاده‌اند و دارند  
مقاومت می‌کنند، با این‌که در کشور خودشان هم  
نیستند و دور از کشور خودشان هستند.<sup>۳</sup>

## حضور قلب در دعا و نماز

دعا را با حضور قلب باید خواند. این جا من این را هم عرض بکنم: بعضی از این اجتماعاتی که در آن ها دعا خوانده می شود، انصافاً خیلی اجتماعات دل نشینی است، یعنی خواننده دعا، دعا را فقط برای مستمع نمی خواند بلکه برای دل خودش هم می خواند. بعضی ها این جوری هستند؛ خودش هم تحت تأثیر دعا است. وقتی خواننده دعا جوری دعا می خواند که خودش دارد با خدا حرف می زند، خودش را در مقابل پروردگار عالم حاضر می بیند - وقتی این جور هست - و حال دعا برای او وجود دارد، این مستمع هم حال دعا پیدا می کند. بعضی مواردی البته بندرت انسان مشاهده می کند که خواننده دعا اصلاً در عالم دعا نیست. گاهی آدم در تلویزیون هم بعضی از این ها را مشاهده می کند که خواننده دعا دارد فقط یک چیزی را با آواز می خواند؛ نه خودش توجهی دارد و حال دعایی دارد، وقتی خودش حال دعا نداشت، مستمعش هم حال دعا پیدا نمی کند؛ نه

اشک خودش جاری می‌شود، نه می‌تواند اشک مستمع را جاری کند؛ دل او را نمی‌تواند منقلب کند، چون دل خودش منقلب نیست. دعا را این‌جوری نباید خواند.

دعا سخن گفتن با خدای متعال است؛ به تعبیر امام بزرگوارمان «دعا قرآن صاعد است»؛ (از جمله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶؛ وصیت‌نامه سیاسی - الهی) همان حرف زدن با خداست. یک‌وقت شما قرآن می‌خوانید، خدا دارد با شما حرف می‌زند، یک‌وقت دعا می‌کنید، شما دارید با خدا حرف می‌زنید. وقتی قرآن می‌خوانید این قرآن نازل است یعنی خدای متعال دارد با شما صحبت می‌کند و حرف می‌زند، حقایق را برای شما روشن می‌کند؛ از بالا نازل می‌شود؛ و وقتی شما دعا می‌خوانید، شما دارید با خدا حرف می‌زنید؛ این صدای شما است که صعود پیدا می‌کند. البته دعا اگر خوب خوانده بشود، آن‌وقت دعای یسمَع است: «اسْمَعِ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعِ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ» (اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۵) - که در مناجات شعبانیه می‌خوانیم -

پروردگارا! دعای مرا بشنو. یک جور دعا خواندنی هست که خدا آن را نمی‌شنود. در دعا می‌خوانیم: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ»؛ پناه می‌برم به تو از دعایی که شنیده نمی‌شود یعنی خدای متعال اعتنائی به آن دعا نمی‌کند؛ و «مِنْ صَلَوةٍ لَا تَنْفَعُ»؛ (کافی، ج ۲، ص ۵۸۶) پناه می‌برم به تو از آن نمازی که نفعی به حال من نمی‌رساند و سودمند نیست. خب! «الصلوة قربانُ كُلِّ تَقِيٍّ»؛ (کافی، ج ۳، ص ۲۶۵) نماز ما را به خدا باید نزدیک کند؛ نزدیک‌کننده است، و اگر ما را نزدیک نکرد، نماز بی‌فایده است. البته بی‌فایده بودنش موجب نمی‌شود که نخوانیم و بگوییم حالا که بی‌فایده است پس نمی‌خوانیم؛ نه‌خیر، باید بخوانید و تکلیف را به‌جا بیاورید، امّا کاری کنید که این صلات، صلات نافع باشد و نفع ببخشد؛ با توجه و با حضور قلب.<sup>۳</sup>

## روزه داری فرصت

### حرف زدن با خدا

این فرصت روزه داری برای شماها خیلی فرصت باارزشی است؛ خیلی می تواند دل های شما را نرم کند، به خشوع نزدیک کند تا بتوانید با خدا حرف بزنید؛ دعا را این جوری باید خواند. این شبها دعاهایی که در سحرها هست، در شبها هست، مخصوص شبهای قدر است یا مخصوص به این شبها هم نیست و مال همه شبهاست، خیلی باارزش است. غیر از معارفی که در این دعاها هست، خود احساس تضرع و خشوعی که در این دعا انسان پیدا می کند، خیلی باارزش است.<sup>۳</sup>



## سبک زندگی اسلامی ایرانی

### در اندیشه و عمل

سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله مهمی است. بنشینید، رویش فکر کنید، مصداق‌هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل منتشر کنید؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی من باب مثال در مسیرها. حالا بنده در آن مثال‌هایی که آن دو سه سال قبل از این راجع به این قضیه زدم، مسئله پشت چراغ قرمز ایستادن را هم مثال زدم؛ همین موضوع را می‌شود گسترش داد؛ می‌شود تبیین کرد. کار شماهاست؛ کار شما جوان‌هاست که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، هم توانایی‌اش را دارید؛ خب! بکنید این کارها را.<sup>۴</sup>

## معنویت عامل درونی تقویت ایمان

به اواخر ماه؛ امروز بیست و ششم بود. از یک نظر بهتر است، بهتر شد؛ چون شما جوان‌ها با گذراندن این روزهای گرم و طولانی با دهان روزه نورانیت بیشتری پیدا کرده‌اید، لطافت بیشتری پیدا کرده‌اید، ان شاء الله به توفیق الهی معنویت بیشتری در شماها تجلی پیدا کرده؛ این خیلی مهم است. خب! ممکن است به ذهن بیاید که آقا، ما این همه حرف - داریم این همه مسئله اقتصادی و اجتماعی و مسئله قراردادهای نفتی و برجام و حرف‌هایی که آقایان گفتند و همه‌اش هم مهم است - حالا شما رفته‌اید سراغ معنویت و روزه و نورانیت دل! من می‌خواهم عرض بکنم این از همه آن‌ها مهم‌تر است. چون شما برای اینکه مشکلات را حل کنید، احتیاج دارید به مجاهدت، به مبارزه - که حالا اگر ان شاء الله وقت شد، عرض خواهم کرد - و این مبارزه و مجاهدت، متوقف است بر یک نیروی درونی. آن کسی می‌تواند در میدان مبارزه بایستد که از آن نیروی درونی برخوردار باشد؛ آن وقتی

می‌تواند درست بفهمد و تشخیص بدهد و دنبال تشخیص حرکت بکند که آن عامل درونی در او فعال باشد و قوی بشود؛ آن عامل درونی ایمان است.<sup>۴</sup>

### توصیه به جوانان دانشجو

من توصیه می‌کنم به جوان های عزیزمان و جوان های دانشجو که به مسائل تقوای شخصی، پرهیزکاری شخصی، پاکدامنی شخصی اهمیت بدهید، پردازید؛ حتماً تلاوت قرآن را روزانه فراموش نکنید. ولو یک صفحه، ولو نیم صفحه. قرآن را هر روز بخوانید، با قرآن ارتباطتان را برقرار کنید. این دعاها مضامین فوق‌العاده‌ای دارد، این دعاها رشته ارتباط شما را با خدای متعال مستحکم می‌کند، این اصل قضیه است.<sup>۴</sup>

## اهمیت درک ماه مبارک رمضان

عزیزان من! این رازونیا‌های ماه رمضان را قدر بدانید، این دعاها را قدر بدانید؛ این شب‌زنده‌داری‌های مبارک را، این اشک‌های پاکیزه را که در این شب‌های قدر و در این مجالس دعا و مناجات و استغاثه و تضرع بر چهره‌ها جاری شد، این‌ها را قدر بدانید، این‌ها خیلی ارزش دارد؛ این‌ها دل انسان مؤمن را محکم می‌کند، توکل او را به خدا زیاد می‌کند. وقتی به خدا توکل کردید، از غیر خدا دیگر نخواهید ترسید، وقتی از غیر خدا نترسیدید، به سمت اهداف عالی خودتان محکم حرکت خواهید کرد.<sup>۵</sup>

## دو رکن اساسی عید فطر

در این عید، مردم به دو رکن اساسی دعوت شده‌اند: به توحید و به وحدت. توحید در همین ذکر عمیق و پُرمعنایی است که در نماز عید وجود دارد که دنباله آن هم زکات است؛ یعنی هم صلوات است، هم متمم آن زکات است؛ این در این روز نماد توحید است. وحدت هم که درواقع از همین توحید سرچشمه می‌گیرد، همدلی مسلمان‌هاست؛ جسم‌ها در نماز و در اجتماعات عید در کنار هم، و دل‌ها متوجه به یک مرکز، مرکز عظمت الهی، مرکز قدرت و رحمت حق؛ این روز یک چنین روزی است.

البته امروز متأسفانه دنیای اسلام از وحدت محروم است، دچار مشکلات و دچار درگیری است. وقتی آشفتگی به میان آمد، وقتی درگیری میان مسلمان‌ها به وجود آمد، معنویت هم کم می‌شود. معنویت و ایمان، طبق منطق قرآن تا حدود زیادی به آرامش احتیاج دارد؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ»؛ (سوره

فتح، بخشی از آیهٔ ۴؛ «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند ...» وقتی سکینه بود، وقتی آرامش بود، وقتی امنیت بود، نوبت می‌رسد به اینکه انسان‌ها بر ایمان خود بیفزایند؛ با عمل صالح، با توجّه، با ذکر. وقتی در یک کشور اسلامی و در یک مجموعهٔ اسلامی، مردم بر جان خود، بر مال خود، بر امنیت خود بیم دارند و مأمون (ایمن، در امان) نیستند، امنیت ندارند، آنجا سکینه هم وجود ندارد؛ سکینه که نبود، این ازدیاد ایمان هم وجود ندارد؛ امروز مسلمان‌ها دچار این وضعیت‌اند.<sup>۵</sup>

## ماه رمضان نمایشگاه بزرگ

### نشانه های معنویت

امسال ماه رمضان، سرتاسر کشور نمایشگاه بزرگی بود از نشانه های معنویت گرایی مردم و از جلسات با شکوه قرآن که بحمدالله به بهترین وجهی در رسانه ملی هم منعکس شد؛ این جزءخوانی هایی که معمول شده است به صورت جمعی در مشاهد مشرفه انجام می گیرد، این را مردم استقبال کردند؛ امسال در بسیاری از شهرها در جریان بود. افطاری های مردمی پدیده دیگری بود که امسال بخصوص در تهران - بنده هنوز از شهرستان ها گزارش روشنی ندارم، البته در بعضی از مشاهد مشرفه مثل آستان قدس رضوی، افطاری های عمومی برگزار بود - در حسینیه ها، در مسجدها، در خیابان ها، در محله ها، در بسیاری از کوچه ها، مردم سفره افطاری پهن می کردند و به رهگذران افطاری تعارف می کردند، مردم هم می نشستند؛ تصویرها و عکس های آنها را برای من آوردند؛ انصافاً این همه علاقه و ارادت به

معنویت و خدمت مردم به مردم، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جزو کارهایی بود که امسال رایج شد؛ البته از سال‌های گذشته بود، امسال بیشتر از سال‌های دیگر؛ در تهران که تقریباً همه‌گیر است، در بسیاری از شهرستان‌ها هم علی‌القاعده هست که بنده البته اطلاع دقیق و روشنی ندارم. این در مقابل آن افطاری‌دادن‌های مسرفانه و مترفانه است؛ افطاری‌های پرخرج، آن هم نه به افراد مستحق افطار، که گاهی از سوی بعضی از دستگاه‌های مسئول نظام داده می‌شود که هیچ وجهی ندارد؛ در هتل‌ها جمعیتی را جمع می‌کنند، کسانی که هیچ احتیاجی به این افطاری هم ندارند. این کار مردمی در مقابل کار آنهاست. عده‌ای راه افتاده بودند، اسم خودشان را هم گذاشته بودند «کوچه‌گردان‌های عاشق» - که یک اسم حقیقی است - و افطاری در خانه‌های مردم می‌بردند که نمونه‌های متعددی را برای ما گزارش کردند و تصویر و عکس آوردند؛ در خانه‌ها افطار دادن. این‌ها کارهای بسیار بزرگی است، این‌ها



کارهای بسیار ارزنده‌ای است. علاوه بر این‌ها، جلسات دعا، جلسات مناجات، شب‌ها تا سحرها، در مساجد، در حسینیه‌ها، در مجامع مختلف، بخصوص در شب‌های احیاء، حتی بر سر مزار شهدا؛ مردم جمع می‌شدند، این دل‌ها را به خدا متوجّه می‌کردند؛ این‌ها همه وسیله جلب رحمت الهی است. اعتکاف دهه آخر ماه رمضان هم تدریجاً دارد به یک سنتی تبدیل می‌شود که رو به رشد است؛ ان‌شاءالله این هم مبارک است. من اطلاع پیدا کردم بعضی از پزشکان محترم، در برخی از شب‌ها و روزهای ماه رمضان، طبابت‌های صلواتی می‌کردند؛ این معنائش این است که این ایثار و این گذشت، در بین همه طبقات مردم ادامه دارد. این ماه رضانی بود که گذشت؛ اینچنین ماه رضانی موجب جلب رحمت‌الهی است.<sup>۶</sup>

## اهمیت و عظمت عید فطر

در عظمت این عید، همین بس که در قنوت‌های نمازهایی که در روز عید خوانده می‌شود، خدای متعال را به این روز سوگند می‌دهیم؛ این اهمیت این روز را نشان می‌دهد. پایان یک ماه عبادت، یک ماه توسّل و ذکر و خشوع و خدمت از سوی مردم مؤمن، روز عید است برای همه مردم و روز ذخر و شرف است برای پیامبر اکرم.<sup>۶</sup>

## شوق و رغبت جوانان به روزه گیری

بحمدالله مردم مؤمن ما، ماه رمضان بسیار خوبی را گذراندند. ماه رمضان پُر از معنویت و پُر از توجه و توسّل و خشوع و تضرّع. ما مسئولان کشور باید، هم غبطه بخوریم به حال این مردم مؤمن و این دل‌های نورانی، و هم باید خدا را شکر کنیم به‌خاطر مسئولیتی که خدا به ما داده است در قبال این ملت مؤمن. در بلندترین روزهای سال و گرم‌ترین روزهای سال، مردم در سراسر کشور روزه‌دار بودند، با دهان روزه گرما را تحمل کردند، حتی جوان های ما، نوجوان های ما با شوق و رغبت به روزه‌گیری رو آوردند. کسانی، دست‌های خبیثی، سعی کردند نوجوان های ما را به روزه‌خواری بکشانند، بحمدالله موفق نشدند و موفق هم نخواهند شد؛ ولیکن مسئولان کشور و آحاد مردم، توجه کنند که دشمنان مغرض و خبیث، تا کجاها فکر کرده‌اند و به چه چیزها فکر کرده‌اند؛ برای اینکه نسل روبه‌بالندگی کشور را از دین دور کنند، می‌نشینند برنامه‌ریزی می‌کنند، نقشه‌کشی می‌کنند که نوجوان ها را به روزه‌خواری بکشانند. بحمدالله ملت توی دهن این‌ها زدند.<sup>۶</sup>

## شعر و مداحی،

### تبیین با بصیرت

جمهوری اسلامی امروز نیازمندی‌هایی دارد که این نیازمندی‌ها را ماها باید تأمین کنیم. به اعتقاد بنده برترین این نیازمندی‌ها، نیازهای تبیینی و بصیرت‌افزایی و تحکیم معارف انقلاب و اسلام است؛ اینها در رأس همه این نیازها است. ما ابزارش را هم بحمدالله داریم. یکی از ابزارهایی که ما داریم و دیگران در دنیا معمولاً ندارند، همین مداحی است، همین روضه‌خوانی است، همین منبر است، همین مجالس مردمی است؛ این در دنیا معمول نیست. در دنیا اینکه حالا یک نفر را یک جایی دعوت کنند برود منبر، هزار نفر، دو هزار نفر، پنج هزار نفر، بدون دعوت، با شوق دل خودشان آنجا حاضر بشوند، بنشینند یک ساعت به حرف او گوش بدهند، چنین چیزی در دنیا نیست؛ معمولاً با زحمت، با پروپاگاندا، (تبلیغات) با جاذبه‌های جنسی، با انواع و اقسام جاذبه‌ها افراد را می‌کشاند به مجالس. اینکه حالا در اعلامیه

می‌نویسند که یک مدّاحی - آقای فلان کس -  
فلان‌جا می‌رود و مردم هجوم می‌آورند می‌روند  
می‌نشینند گوش می‌کنند، این را ما داریم، دیگران  
ندارند؛ این نعمت است، این را قدر بدانیم، از این  
فرصت استفاده کنیم. شعر هم همین‌جور است.  
بنابراین امروز، هم در شعر شعرای عزیز ما - که  
خب امروز الحمدلله خیلی خوب بود؛ شعرهایی که  
دوستان گفته بودند، به‌خصوص بعضی خیلی خوب  
بود؛ درست منطبق با نیازها بود، منطبق با همان  
چیزی بود که امروز جامعه‌ما نیاز دارد که بداند،  
بفهمد؛ در جهت بصیرت‌افزایی بود - هم در  
خواندن نغمه‌سرایان و مدّاحان عزیزی که خواندند  
با صداهای خوش، الحمدلله اینها تا حدود  
زیادی تأمین می‌شود.

لکن من می‌خواهم برای همیشه توصیه کنم،  
یعنی واقعاً به فکر باشید، وقتی که شما شعر  
می‌خوانید یادم می‌دهید تا مثلاً در نوحه‌خوانی سینه  
بزنند، چیزی بگویند که آن‌کس که سینه می‌زند، بر  
معرفتش بیفزاید، یک چیز جدیدی بفهمد. بله،

می‌شود گریه گرفت و مثلاً فرض کنید که مصیبت‌خوانی کرد بدون بصیرت، آن هم یک مرحله‌ای است، بلاشک یک مرحله‌ای از فضیلت است، اما آن فضیلت برتر، آن هدف اعلی، آن غایت‌الْقُصُوی (حدّنبایی، کمال مطلوب) از همه این مقدمات، این است که ما بصیرت‌هایمان افزایش پیدا کند؛ نسبت به ائمه، نسبت به قرآن، نسبت به اسلام، نسبت به آینده‌جامعه‌جهانی؛ اینها هدف‌های اصلی است، اینها باید ان‌شاءالله در شعرهای ما هم بیاید، در خواندن‌ها و مدّاحی‌های ما هم بیاید.<sup>۷</sup>

## اهمیت و احترام ماه‌های حرام

ماه حرام به معنای ماه احترام است؛ یعنی ماه‌هایی که از نظر پروردگار عالم «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ». (توبه، آیه ۳۶) ؛ «... از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است...» چهار ماه را خدای متعال محترم‌تر از ماه‌های دیگر قرار داده است؛ با یک محدوده‌های مشخصی از احکام که این احترام در چه چیزی و در چه امری است. مسلمان‌ها از این تعلیم الهی هم باید درس بگیرند. ماه حرام - که ماه محترم الهی است به تعبیر عارف بزرگ مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی رحمته‌الله - ماه‌هایی است که مسلمان‌ها بایستی با توجّه بیشتر به خدای متعال و تعبّد بیشتر، خودشان را آماده ورود در میدان‌های حسّاس و مهمّ زندگی کنند. آنچه امروز برای ملت ایران - این ملت بزرگ و سرافراز - مطرح است، همین است که در راه پرافتخاری که در پیش گرفته است با قدرت، با سرعت، با عزّت، با سربلندی پیش برود و حرکت کند.<sup>۸</sup>

## آیات قرآن روشن‌کننده راه اُمّت

آیات کریمه قرآن و کلمات قرآن، در هر جایی، در هر وقتی که تلاوت بشود و خوانده بشود، مایه روحانیت و معنویت و برکت است؛ به‌خصوص این آیاتی که این برادران عزیز انتخاب کرده بودند که آیات سوره احزاب بود و نشان‌دهنده خطّ روشن و مستقیم اُمّت اسلامی در هنگامه‌های دشوار، در چنبره‌های سخت زمانه و روشن‌کننده راه اُمّت است. معلوم می‌کند که اگر اُمّت اسلامی در هر برهه‌ای، در هر دوره‌ای دچار مشکلاتی شد - از قبیل همان مشکلاتی که در این آیات به آنها اشاره شده است - راه چیست: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»؛ (احزاب، آیه ۲۳)؛ «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بسته‌اند صادقانه وفا کردند. ...» وقتی پیمان با خدا و معاهده‌ای که دل‌های مؤمن با خدا بسته‌اند صادقانه باشد، همه کارها پیش خواهد رفت؛ همه مشکلات برطرف خواهد شد. البته زندگی موانع دارد، مشکلات دارد، هیچ جاده آسفالته‌ای در مقابل هیچ ملّتی نیست؛ باید راه را با



همتّ خودشان، با کوشش خودشان هموار کنند، صاف کنند و به سمت اهداف خودشان حرکت کنند. ملت‌هایی که به اوج معنویت و مدنیت و رفاه و سعادت رسیدند، این‌جوری حرکت کردند. این آیات به ما این چیزها را تعلیم می‌دهد.<sup>۸</sup>

### اعتماد به وعده خدای متعال

اگر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش‌بین باشیم و مقدّمات آن وعده را فراهم بکنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ (محمّد، آیه ۷) اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید و نصرت کنید، قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی را هم که خدای متعال نصرت بکند، هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند او را تضعیف بکند؛ روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد و پیروزتر خواهد شد.<sup>۸</sup>

## مسجد پایگاه اجتماعی

اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده‌ای دُور هم جمع می‌شوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار می‌کنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ یا مثل روم باستان که در حمام‌ها آن‌وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل می‌شد و دُور هم مردم جمع می‌شدند و رفتن حمام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامهٔ صلوات است؛ این خیلی فرق می‌کند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن‌وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهت دیگری پیدا می‌کند، دل‌ها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود.

بله، معبد در همهٔ ادیان هست - که می‌نشینند در آنجا و عبادت می‌کنند - لکن مسجد با معابد مسیحی و یهودی و بودایی و بعضی جاهای دیگر که ما دیده‌ایم یا شنیده‌ایم متفاوت است. در مسجد، پیغمبر اکرم نمی‌رفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: *أَلْصَلوةُ جَامِعَةً* (ازجمله، وسائل الشَّیْعة، ج ۲۳، کتاب الایمان، ص ۲۴۳) بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئلهٔ جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیهٔ چیزها؛ و شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که مساجد، مرکزی برای تعلیم بود؛ می‌شنویم و در روایات می‌خوانیم که در مسجدالحرام یا مسجدالنَّبِی حلقهٔ درس زید و عمرو و بکر از نحله‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشت؛ معنای این خیلی متفاوت است با کلیسیا یا با کنیسهٔ یهودی که فقط می‌روند آنجا، یک عبادتی می‌کنند و بیرون می‌آیند. مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است.<sup>۱۰</sup>

## تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

### بزرگ‌ترین شهید در تاریخ بشر

ایام شهادت مولای متقیان است که این بزرگوار  
 بزرگ‌ترین شهید در تاریخ اسلام بلکه در تاریخ  
 بشر است. همچنان که نسبت به حضرت  
 اباعبدالله الحسین علیه السلام سیدالشهداء تعبیر «ثارالله» به  
 کار رفته است، یعنی کسی که خون‌بهای او  
 خداست - معنای ثارالله این است؛ عظمت  
 خون‌بهای او به قدری است که جز خود خدای  
 متعال هیچ چیز نمی‌تواند خون‌بهای این عزیزان  
 باشد - عین همین تعبیر درباره امیرالمؤمنین است؛  
 چون شما می‌گویید: «یا ثارالله و ابن ثاره»؛ (کافی، ج ۴،  
 ص ۵۷۵) «و ابن ثاره» یعنی امیرالمؤمنین هم در  
 همین رتبه عظمت از لحاظ خون‌بهاست. عظمت  
 این شهید بزرگوار، شهید در محراب، شهید در راه  
 حق، شهید قاطعیت، شهید استقامت، از این  
 تعبیرات کاملاً آشکار است.<sup>۳</sup>

## اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

### نماز عمود دین

ماها، عموم مردم، آنچنان که باید و شاید، همچنان قدر نماز را نمی‌دانیم. نماز به معنای واقعی کلمه عمود دین است؛ معنای عمود این است که اگر نبود، سقف فرو می‌ریزد؛ بنا شکل بنایی خود را از دست می‌دهد؛ نماز این است. بنابراین پیکره عظیم دین متوقف است به نماز. کدام نماز می‌تواند این پیکره را حفظ کند؟ آن نمازی که دارای خصوصیات مطلوب خود باشد: قُرْبَانُ كُلِّ تَقَى، (کافی، ج ۳، ص ۲۶۵)؛ «نماز نزدیک‌کننده هر متقی به خداست» ناهی از فحشا و منکر، نمازی که با ذکر همراه باشد؛ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ (عنکبوت، آیه ۴۵)؛ «... و قطعاً یاد خدا بالاتر است...» این ذکری را که در درون نماز است، هم باید عمل کنیم، هم باید ترویج کنیم.<sup>۱۰</sup>

## ضرورت تبیین مسئله نماز

به نظر بنده یکی از کارهای مهم ائمه محترم جماعات در مساجد، تبیین مسئله نماز برای مردم است که قدر نماز را بدانیم؛ اگر این شد، نمازها کیفیت پیدا خواهد کرد. واقع قضیه این است که نمازهای ما یا در موارد بسیاری بی کیفیت است، یا کیفیت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید. خب، نماز ما باید از این آفات چارواداری مصون و محفوظ بماند؛ یعنی آفت غفلت درحال نماز، بی توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است. به قول مرحوم آقای مشکینی که اینجا در همین حسینیه می گفتند اگر یک دستگاهی اختراع بشود که انسان بتواند به مغز خودش آن را متصل کند و خاطرات ذهن را در طول نماز از اول تا آخر در آن ضبط بکند، یک چیز عجیب و غریبی از آب درمی آید. از اولی که وارد نماز می شویم تا آخر نماز، ذهن کجاها می رود، کجاها را سیر می کند، چه مسائلی را حل می کند، به چه مسائلی دلبستگی

و فریفتگی و دلباختگی نشان می‌دهد. این یکی از آن آفات به تعبیر بنده چارواداری است. اگر از این آفت توانستیم خودمان را محفوظ بداریم و نیز از یک آفت دیگر که ریا است - «وَابْرَأَ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِكَ» (کافی، ج ۲، ص ۵۸۶، کتاب الدعاء) که در دعا هست - توانستیم خودمان را نجات بدهیم، تازه نماز ما می‌شود یک نماز عادی و معمولی؛ عمق نماز باز محفوظ نیست.

خب، وقتی ما می‌گوییم «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، این عظمت را چه می‌دانیم؟ چه تصویری از این عظمت در دل ما است؟ این عظمتی که در مقابل او تعظیم می‌کنیم و او را تسبیح می‌کنیم و تقدیس می‌کنیم، چیست؟ آن معدن عظمتی که در این دعا مورد توجه قرار می‌گیرد که «هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ» تا برسد به «إِلَى مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ»، (اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷، باب نهم) کجا است؟ چیست؟ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ (حمد، آیه ۵)؛ «تو را می‌پرستیم تنها و بس، به جز تو نجویم یاری ز کس» ما هیچ توجّهی به این معانی و این مفاهیم

عمیق، عبودیت انحصاری خداوند، استعانت  
انحصاری از خداوند، دل را با این معارف آشنا  
کردن، نماز را با این کیفیت به جا آوردن داریم؟  
خب ما یک مقداری باید تمرین کنیم تا به این  
جاها برسیم.<sup>۱۰</sup>



## مسجد هسته بزرگ مقاومت

یک مسئله دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته مقاومت. مقاومت وقتی گفته می‌شود، فوراً ذهن می‌رود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اوّل بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روش‌ها را هم که شما می‌بینید: این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ یعنی انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است. با حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی مخالفند به‌خاطر مخالفت با ایمان دینی؛ چون می‌دانند اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد، این نظام

به وجود نمی‌آمد، این زلزله و تکانه شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی‌آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی یک تکانه شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دو قطبی بود، با هم مخالف بودند، الان هم همین‌جور است - قدرت‌های بزرگ مثل گرگ‌های درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبا را بدرند، در این شکی نیست - اما همه بر یک اصل متفق بودند و امروز متفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملت‌های ضعیف و حکومت‌های ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آنها و تجمع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است. این هدف که هدف نظام سلطه است، با پدید آمدن انقلاب اسلامی مخدوش شد.

مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با مأمومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه

چشم‌درچشم و جلسه نزدیک که نفس گوینده به شنونده می‌خورد، یک‌چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ البته در کلّ اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بُروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمّی است؛ اینها را دست‌کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خب دایره‌اش محدود است؛ اگرچنانچه این سلسله عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه‌جا کار کند، تأثیراتش بر همه اینها فائق خواهد آمد و می‌توانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد سرازیر می‌شود به‌طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین مسجد هسته مقاومت است، منتها مقاومت بآنواعه؛ (با انواع آن) مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کمااینکه در مساجد اینگونه بود.<sup>۱۰</sup>

## امامت جماعت مسجد ،

### یک کار مهم و اساسی

پیش‌نمازی مسجد تنهاوظیفه امام جماعت نیست؛ پیش‌نمازی هم یکی از کارها است. اقامه نماز، اقامه حق و عدل، اقامه دین، ابلاغ احکام دینی، وظیفه ما به‌عنوان پیش‌نماز و به‌عنوان امام جماعت است. یعنی محور مسجد امام جماعت است، مسجد بر محور امام جماعت است. خوب اگر این شد، احساس مسئولیت انسان سنگین خواهد شد.

تصور بنده این است که یکی از کارهای اساسی عبارت است از امامت مسجد؛ این یک کار مهم است؛ به‌عنوان یک کار حاشیه‌ای نباید به آن نگاه کرد. اینکه ما به کارهای روزانه‌مان، به مشاغل گوناگون‌مان برسیم، بعد سر ظهر یا مغرب با عجله تمام در ترافیک و مانند اینها خودمان را برسانیم - نیم‌ساعت، سه‌ربع هم از وقت دیر شده باشد - برویم آنجا بایستیم به نماز، این کم گذاشتن در حق مسجد است. این را باید یک شغل مهم و

اساسی به حساب آورد. عرض نمی‌کنیم که وقتی امام جماعت شدیم، از همه کارهای دیگر دست برداریم؛ نه، می‌تواند انسان به قدر ظرفیت خود به کارهای دیگر علمی یا غیرعلمی بپردازد لکن حقّ مسجد باید ادا بشود. از قبل از وقت شروع نماز انسان برود مسجد با طمأنینه، با سکون نفس آماده نماز بشود، نماز را با کیفیت خوب بخواند. بعد اگر برنامه حرف‌زدنی دارد، برگردد طرف مردم و با مردم حرف بزند، برای مردم تبیین بکند؛ برنامه‌های گوناگونی که در مساجد بحمدالله شماها دارید. زمان ما، آن زمانی که بنده مثلاً در مشهد امامت جماعت می‌کردم و مسجد می‌رفتم، خیلی کارها معمول نبود، بلد نبودند یا بلد نبودیم این کارها را. هر کاری می‌کردیم، نو به حساب می‌آمد.

امروز بحمدالله این کارها رایج است. اینکه بین دو نماز یا بعد از نماز، امام جماعت بایستد یا برود روی منبر با مردم حرف بزند یا اینکه مثلاً فرض کنید تخته‌سیاه در مسجد ببرند، حدیث بنویسند، برای مردم تبیین بکنند، یا بنشینند با جوان‌های

مسجد حلقه معرفتی تشکیل بدهند، تبیین کنند، سوالاتشان را بشنوند، این کارها حالا آن‌طور که انسان احساس می‌کند از گزارش‌ها و از حرف‌ها رایج است، آن زمان رایج نبود. آن زمان ائمه جماعت عمدتاً به این اکتفا می‌کردند که بروند نماز را بخوانند و از مسجد بیرون بیایند. حالا یکی دو مسئله شرعی هم جواب بدهند، و سؤالی بشود یا نشود؛ بیش از این نبود، اما امروز بحمدالله این چیزها رایج است. و باید روزه‌روز این را کیفیت داد.<sup>۱۰</sup>

# تدابیر آموزشی

• نقش مربیان و اساتید

## نقش مربیان و اساتید

### اساس تفکر اسلامی

#### بر محور تبیین

تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن‌ها مواجه‌ایم، با دل‌ها مواجه‌ایم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است. بنده در منزل یکی از دوستان‌مان در تهران - آن سال‌های قبل از انقلاب



- نشسته بودیم. در این بین، یکی از جوان هایی که می شناختم - مشهدی بود؛ با خودش، پدرش آشنا بودیم؛ جزو چریک های فدائی خلق بود و جزو کسانی بود که در جنگل های شمال رفته بودند موضع گرفته بودند و مبارزه می کردند - ناگهان وارد شد، من هم خبر نداشتم. خب!، آشنا بودیم؛ آمدند نشستند؛ ظاهراً آمده بود از آن صاحب خانه یک کمک مالی ای، چیزی بگیرد. من گفتم خب! شماها چه کار می کنید، یک چیزهایی گفت. من گفتم شماها اگر می خواهید موفق بشوید، راهش این است که با مردم حرف بزنید، تبیین کنید؛ مردم بدانند شما چرا در شمال جمع شده اید مبارزه مسلحانه می کنید و در شهر مثلاً فرض کنید فلان جا فلان حرکت را انجام می دهید؛ مردم بدانند؛ تبیین کنید. یک مقداری راجع به این تبیین با او صحبت کردیم. یک نگاهی به من کرد و یک سری تکان داد - بچه بود، از ما سنّاً خیلی، یک ده سالی کوچک تر بود - یک نگاه «نگه کردن عاقل اندر سَفیه» به ما کرد، (خنده حضار) گفت بله، این

تفکر اسلامی شماسست، ما تفکرمان این نیست؛ یعنی تبیین لازم نیست. این تفکر دیالکتیکی کهنه فرسوده غلط از آب درآمدۀ مارکسیستی - که حالا شنیدم باز در دانشگاه یک عدۀای دارند همان را دنبال می کنند - به آن ها می گوید که نه، لازمۀ دیالکتیک و نتیجۀ دیالکتیک، این جنگ و دعوای بین کارگر و کارفرماست و هیچ تبیینی لازم ندارد؛ به آن ها این جوری بیان می کنند. خب! این غلط بودنش کاملاً تجربه شد دیگر؛ غلط درآمد از آب. خود حکومت هم که تشکیل شد بعد از شصت هفتاد سال معلوم شد که از پایه خراب بوده، به کلی بنا فرو ریخت. حالا باز یک عدۀای به قول فرنگی ها روی اسب شکست خورده دارند شرط بندی می کنند؛ روی مارکسیست باز دارند شرط بندی می کنند! نه، به قول همان جوان - که بعداً هم کشته شد - تفکر اسلامی تبیین است: «فَأَمَّا عَلَيكَ الْبَلَاغُ» ؛ (رعد، آیه ۴۰) به پیغمبر خدا می گوید وظیفۀ تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرف هایتان را، نظراتتان را بگویید؛

در مسائل مهمّ کشور؛ در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله پیشرفت علمی - اینها مسائل مهمّ کشور است - در مسئله ارتباط با آمریکا تبیین کنید؛ برای خیلی‌ها روشن نیست. برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه دانشجویی تبیین کنید. چرا بنده این‌قدر اصرار دارم که ارتباط با آمریکا نایستی برقرار بشود حتّی مذاکره، جز در مسائل مشخص و معینی که حالا اقتضای مصلحت باشد؛ علّتش چیست؟ خب! این یک دلیلی دارد؛ این دلیل را سیاست‌مدارهای حتّی طرف‌دار با آمریکا هم یک جاهایی تأیید کردند. گفتم من، یک وقتی یکی از این آقایان رؤسای جمهور این دوره‌های مختلف، با من راجع به این قضیه بحث‌های متعدّدی می‌کرد در جلسات مختلف؛ بعد رفته بود در شورای عالی امنیت ملّی گفته بود فلانی استدلال‌هایی دارد که من جوابی برایش ندارم. راست هم می‌گفت. بنده برای ردّ ایجاد ارتباط با آمریکا استدلال‌هایی داشتم

که ایشان برای پاسخ به این استدلال‌ها حرفی نداشت، راست می‌گفت. استدلال‌ها استدلال محکمی است، این‌جوری نیست که راحت بشود این استدلال را برطرف کرد، رد کرد. خب!، اگر چنانچه به این استدلال‌ها رسیدید که می‌توانید برسید آن‌ها را تبیین کنید. شماها دانشجویید، جوان‌اید، فکرهای خوبی دارید، حرف‌هایی که امروز زدید، بنده را کاملاً امیدوار کرد، نه از جهت محتوای حرف‌ها، بلکه از جهت اینکه - محتواها هم خوب بود، منظورم چیز دیگر است - احساس کردم ذهن‌ها دارد کاملاً کار می‌کند؛ این برای من مهم است؛ ذهن کار می‌کند، ادبیات خوبی به کار می‌برد، این خیلی باارزش است؛ خب!، این ذهنی که فعال است، بنشیند راجع به این قضیه استدلال‌های مناسب را پیدا کند، این را ترویج کند. ببینید! این یکی از چیزهای مورد تبیین است.<sup>۴</sup>

# تدابیر فرهنگی و هنری

• جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

• کنترل و نظارت بر رسانه و مطبوعات

## جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

### ضرورت ساخت یک اثر هنری

#### دربارهٔ حادثهٔ هفتم

لکن کار فقط این نیست که ما به خانواده‌های این‌ها [شهادی هفتم تیر] اظهار احترام کنیم، تعظیم کنیم، تجلیل کنیم؛ نه، حادثه را باید احیاء کنید، زنده نگه دارید. باز هم مردم و روحیهٔ انقلابی خود مردم است که این حوادث را زنده نگه داشته است، ولاً ما یک فیلم دربارهٔ این حادثه

بزرگ نداریم؛ یک اثر هنری دربارهٔ حادثهٔ هفتم تیر نداریم که حقایق را روشن کند، معلوم بشود این‌ها چه کسانی بودند؟ چه بودند؟ آن‌هایی که شهید شدند چه کسانی بودند؟ شهیدبهرستی چه کسی بود؟ آن وزرای مخلصِ مؤمنِ پاک‌باخته‌ای که با همهٔ وجود وارد میدان بودند و ما با این‌ها زندگی کرده بودیم، با این‌ها کارکرده بودیم، این‌ها را از نزدیک می‌شناختیم، چه کسانی بودند؟ چه بودند؟ هنوز ما یک اثر هنری نداریم، یک فیلم سینمایی نداریم، یک نمایش تجسمی نداریم، یک رُمان خوب نداریم؛ این‌ها کارهایی است که ما نکردیم و باید بکنیم.<sup>۳</sup>

## کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات

### لزوم سوءظنّ به

### جریان رسان‌های دشمن

سوءظنّ به جریان رسان‌های دشمن؛ یکی از چیزهایی که خیلی لازم است، سوءظنّ به جریان رسان‌های دشمن است. امروز یکی از بخش‌های پُرخرج دشمنان ما عبارت است از بخش رسانه؛ خیلی پُرخرج است برایشان، یعنی هزینه می‌کنند، پول می‌گذارند، آدم‌های متخصص می‌آورند؛ خیلی خرج دارد برایشان؛ علیه چه کسی؟ علیه جمهوری اسلامی. خب! اصلاً همّت این جریان رسان‌های این است که بر روی یک نقاطی تکیه کند که جمهوری اسلامی را می‌تواند زمین‌گیر کند؛ مثلاً ایجاد یأس، ایجاد نقاط منفی، نقاط منفی را درشت کردن، نقاط مثبت را به کلی حذف کردن. حالا من امروز در روزنامه خواندم، البتّه اطلاع دقیق عینی ندارم امّا امروز در روزنامه بود که این بنگاه سخن‌پراکنی انگلیس، (بی‌بی‌سی) راه‌پیمایی دیروز را که حقیقتاً یک پدیده است - اصلاً راه‌پیمایی روز



قدس در این سال‌ها که هوا به این گرمی و روزها به این بلندی است با دهان روزه، واقعاً یک پدیده است - و این جمعیت عظیم و انبوه در تهران و شهرستان‌ها را منعکس نمی‌کند؛ این خبر کوچکی نیست؛ اینها که کوچک‌ترین خبرها را بازتاب می‌دهند، این را بازتاب نمی‌دهند؛ این سیاست رسان‌های است دیگر؛ به عکس، اگرچنانچه یک نقطه منفی‌ای وجود داشته باشد، این را صد برابر بزرگ می‌کنند. یکی از اصول این باشد که نگاه به جریان رسان‌های دشمن - چه جریان رادیو تلویزیونی‌اش، چه جریان ماهواره‌ای‌اش، چه جریان فضای مجازی‌اش - نگاه سوءظن‌آمیز باشد. اول هم بدانید که اینها دروغ می‌گویند. بنده آن مقداری که خودم در جریان خبرهای خارجی قرار می‌گیرم، آن مقداری که مربوط به حوزه‌ای است که مورد اطلاع نزدیک من است، می‌بینم صدی‌نود دروغ است؛ صدی‌نود! دروغ است، جعل می‌کنند؛ دروغ‌های بزرگ، دروغ‌های کوچک؛ برایشان اهمیت ندارد. یعنی این را بدانید که به نظر من

یکی از وظایف دانشجوی روشنفکر این است. خب!، اینها مربوط به شخصیت دانشجویی شماست، یعنی شما به حیث دانشجو، باید این چیزها را رعایت کنید.<sup>۴</sup>

# تدابیر مدیریتی

• افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

## افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

### اردوهای جهادی

#### عامل خودسازی و تقویت

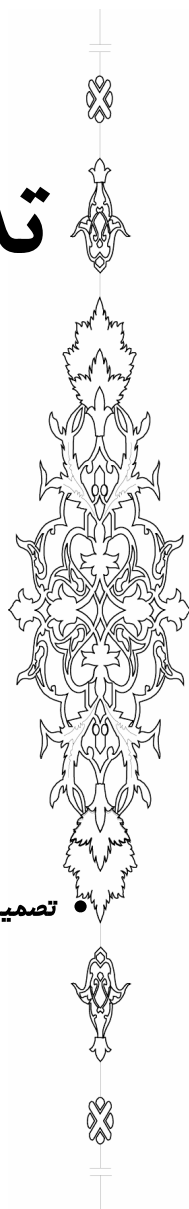
اردوهای جهادی را توسعه بدهید، تداوم بدهید. من خوشحال شدم که این جوان آمد اینجا و از اردوی جهادی صحبت کرد و شرح داد. بله، همین حرف‌هایی که ایشان گفت، همه مورد تأیید من است؛ این اردوهای جهادی، هم تمرین است، هم

خدمت است، هم خودسازی است، هم آشنایی با فضای جامعه است؛ خیلی چیز با ارزشی است. روزبه روز اینها را بتوانید توسعه بدهید؛ جهاد هم هست، واقعاً جهاد است؛ کار است، جهاد است، تلاش است، خدمت به محرومین است. البته این حرف‌هایی که راجع به روستا گفتند حرف‌هایی است که ما سال‌ها در دولت‌های مختلف، گفته‌ایم. حالا آن مطلبی که من قبل از نماز گفتم که رهبری در کارهای اجرائی نمی‌تواند دخالت کند مگر در یک موارد خاص، یک نمونه‌اش همین است؛ درباره روستاها، بنده به دولت‌های مختلف - این دولت، دولت قبل، دولت قبل او، دولت قبل او - مکرّر سفارش کرده‌ام. راه‌های روشنی هم دارد؛ حالا چند موردش را این جوان بیان کردند؛ یکی صنایع مناسب با روستا که اگر راه بیفتد کارساز است. صنایع کوچکی هست که متناسب با روستا است؛ فرض کنید باغ‌های ارومیه مثلاً درخت‌های سیب دارد، سیب‌های اینها می‌افتد و می‌ریزد روی زمین - بنده دیدم این را - و کود می‌شود. قیمتش

آن قدر ارزان است که برای صاحب باغ نمی‌ارزد که پول بدهد این را جمع کنند بفرستند یک جایی! یعنی قیمت ندارد؛ درحالی‌که اگر فرض کنید کارخانه افشیره‌سازی یا کمپوت‌سازی یا فلان، همان‌جا تشکیل بشود، همه این ثروت زنده می‌شود. راه‌ها این‌جوری است؛ یعنی هیچ راه پیچیده دشواری وجود ندارد؛ خیلی راه‌های آسانی است، با سرمایه‌گذاری‌های کوچک. گاهی به ما می‌گویند آقا! اگر یک شغل بخواهیم درست بکنیم، صد میلیون لازم دارد؛ این شغل‌هایی که من می‌گویم، صد میلیون که هیچ، گاهی ده پانزده میلیون هم لازم ندارد. اینها راه‌های روشنی است؛ خوب! باید همّت کنند و بکنند. بنابراین به نظر من اردوهای جهادی خیلی خوب است؛ پرداختن به مسئله روستاها مهم است.<sup>۴</sup>

# تدابیر طرح و برنامه‌ای

• تصمیمات راهبردی



## تصمیمات راهبردی

### وظیفه رهبری

### جلوگیری از انحراف نظام

این را توجّه داشته باشید و من هم بارها قبلاً گفته‌ام که رهبری نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های گوناگون دولتی مدام وارد بشود و مدام بگوید این باشد، این نباشد؛ این نمی‌شود. نه قانون این اجازه را می‌دهد، نه منطق این اجازه را می‌دهد. دستگاه‌ها مسئولینی دارند؛



اگرچنانچه یک مسئولی در یک موردی اشتباهی دارد، کار غلطی انجام می‌دهد، خب! وظیفهٔ مجلس است و باید مجلس استیضاح کند؛ یا اگرچنانچه کار، کار غلطی است، در دولت بایستی مورد مذاقه قرار بگیرد؛ رئیس جمهور بایستی مانع بشود و جلوییش را بگیرد. این جور نیست که حالا این همه دستگاه‌های اجرائی هستند و هر کدام هم دارند یک تصمیمی می‌گیرند - تصمیم‌های گوناگون - رهبری نگاه کند ببیند کدام درست است، کدام غلط است و بگوید آقا، این درست است، آن غلط است؛ این جوری نمی‌شود. این، هم خلاف قانون است، هم ناممکن است، هم نامعقول است؛ معقول نیست. وظیفهٔ رهبری آنجایی است که احساس کند یک حرکتی دارد انجام می‌گیرد که این حرکت، مسیر نظام را دارد منحرف می‌کند. اینجا وظیفهٔ رهبری است که بیاید در میدان و به هر شکلی که ممکن است بایستد و نگذارد؛ ولو مورد جزئی باشد.

بنده در این جلسه کارگزاران در اوایل ماه، (۱۳۹۵/۳/۲۵) راجع به مسائل برجام مفصل صحبت کردم و دو مورد مشخص خاص را انگشت گذاشتم؛ فرض کنید درباره این الیاف کربن که آمریکایی‌ها این جوری می‌خواهند عمل بشود؛ همان‌جا مسئولین سازمان انرژی اتمی هم حضور داشتند؛ در سخنرانی گفتم آقا، این را زیر بار نروید. این خب! یک مورد جزئی بود اما زیر بار رفتن در این مورد جزئی در قضیه برجام، به معنای تحمّل تحمیل آمریکایی‌ها بود؛ این همان انحراف است. ولو مورد جزئی است اما وارد می‌شویم. در این جور مواردی که حرکت کلی نظام را منحرف می‌کند و اشکال ایجاد می‌کند، البته رهبری موظف است وارد بشود و اگر ان شاء الله خدا کمک کند و توفیق بدهد، وارد هم می‌شویم؛ اما این جور نیست که انسان در موارد گوناگون بتواند بگوید آقا، هواپیمای ایرباس بخرید یا نخرید. البته من تذکر دادم؛ هم به خود وزیر راه، هم به رئیس جمهور، هم در جلسات گوناگون گفتم. ما حتی به همین

قرارگاه به اصطلاح اقتصاد مقاومتی گفتیم شما موظفید نگاه کنید ببینید خرید این هواپیماها در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. این را گفته‌ایم، تذکر می‌دهیم، اما اینکه جلو برویم و مانع بشویم، نه، این تکلیف و وظیفه ما نیست.

علی‌ای حال، کارهای زیادی هم دارد در مورد اقتصاد مقاومتی انجام می‌گیرد و دفتر ما هم دائماً دارد رصد می‌کند کارهایی را که دارند می‌کنند. حالا ان شاء الله خدا کمکشان کند بتوانند پیش بروند، بتوانند کار انجام بدهند. ما خوشحال می‌شویم. من گفتم به مسئولین دولتی که این را شما بدانید اگر شماها موفق بشوید، من خوشحال می‌شوم. اگر دولت در انجام اقتصاد مقاومتی توفیق پیدا کند، این افتخار برای نظام است، برای رهبری است، برای ملت است، برای همه است. ما دعا می‌کنیم و کمک می‌کنیم که شماها موفق بشوید و باید کار کنند تا اینکه بتوانند موفق بشوند.<sup>۴</sup>

## گفتمان پیشرفت اسلامی ایرانی

### به عنوان یک خواست عمومی

گفتمان عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته‌های علمی؛ اینها گفتمان‌های اصلی است؛ این گفتمان‌ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله، ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و درواقع اقتصاد مقاومتی نباشد اما می‌شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لاقلاً بخشی از آن باشد. الان ظاهراً کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد؛ آن‌طوری که به من گزارش دادند؛ نه گزارش شخص مسئولین، گزارش‌های بیرون از مسئولیت‌های مسئولین هم به من داده می‌شود، گزارش‌های نسبتاً خرسندکننده‌ای است. احتمالاً کارهای خوبی انجام بگیرد به شرطی که اینها ادامه پیدا کند. من همیشه گفته‌ام که این سلسله‌مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله‌مراتب انسانی است؛ همه انسان‌ها مغز

دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله مراتب پنج شش واسطه‌ای، اگر یکی شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی‌گیرد. مثل یک سیم برق نیست که اگر چنانچه شما اینجا دکمه را زدی، صد چراغ روشن بشود؛ نه، این سیم‌های وسط همه‌شان دارای اراده‌اند، دارای عزمند؛ انسان‌ها هستند. باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال‌گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه دائمی بشود و شماها می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید. این مسئله اقتصاد مقاومتی است، مسئله عدالت همین‌جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین‌جور است. بنده این توسعه غربی را به هیچ وجه قبول ندارم؛ پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است، اما معتقدم - نمی‌خواهم هم کلمه توسعه را که در واقع برگرفته از تعبیر غربی و انگلیسی است، به کار ببرم، عمداً کلمه پیشرفت را به کار می‌برم - این پیشرفت اسلامی ایرانی می‌تواند به عنوان یک گفتمان، به عنوان یک خواست عمومی مطرح

بشود. شتاب در یافته‌های علمی از همین قبیل  
است.<sup>۴</sup>

## نگاه راهبردی به انقلاب

به انقلاب نگاه راهبردی داشته باشید؛ برای بیست سال، سی سال آینده فکر کنید همچنان که دشمن شما فکر می‌کند. عزیز من! شما امروز مثلاً بیست و دو سه سالت است، بیست و سه چهار سالت است، بیست و پنج سالت است؛ بیست سال دیگر شما یک مرد چهل ساله، چهل و پنج ساله هستید و احتمالاً منشأ یک خدمت بزرگ، یک کار بزرگ در این کشور خواهید بود. نمی‌گویم که حتماً باید شغل دولتی داشته باشید. حالا آن خواهرمان، دختر عزیزمان مکرّر گفت که اینهایی که می‌آیند بیرون، فکر شغل برایشان بشود؛ برای پنج میلیون دانشجوی چطور فکر شغل بکنند؟! مگر می‌شود چنین چیزی؟! اصلاً مگر کسی که فارغ‌التحصیل می‌شود حتماً باید بیاید کارمند دولت بشود! نه، بروند بازار آزاد، بروند کار کنند، بروند کار پیدا کنند؛ البته دولت باید کمک کند شکی نیست اما این جور نباشد که حالا هرکس می‌آید بیرون، حتماً باید برود مثلاً فرض کنید که در یک سمت دولتی

پایین یا بالا قرار بگیرد. اما بالاخره رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، نمایندگان مجلس آینده، مسئولین گوناگون آینده از میان همین شماها هستند؛ دانشجویان امروزند؛ نگاهی بکنید که شامل آن روز بشود، دنیایی تصویر بکنید که آن روز که می‌خواهید در آن دنیا نقش‌آفرینی بکنید آن دنیا را بپسندید؛ یک چنین تصویری داشته باشید؛ این تصویر آرمانی را دنبال کنید.<sup>۴</sup>





# تدابیر سیاسی و اجتماعی

• دشمن شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

• افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

• حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

• اقتدار ملی

• حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

• آزاد اندیشی و استفاده از نظرات مختلف

• حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

## دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

### نحوه عملکرد در شرایط فتنه

حضرت علی علیه السلام توصیه می‌کنند در شرایط فتنه که تشخیص حق و باطل برای مردم بسیار مشکل می‌شود، باید به گونه‌ای عمل کرد که هیچ بهره‌ای به نفع فتنه ایجاد نشود. ... در شرایط فتنه همچون قضایای سال ۸۸، نباید سخن، سکوت، اقدام و حتی نوع نگرش، موجب تقویت فتنه شود. ... البته ممکن است برخی افراد به دلیل گرایش‌های خاص خود، تمایلی به حضور صریح در مقابل فتنه نداشته باشند اما نباید از او هم به نفع فتنه بهره‌برداری شود.<sup>۱</sup>

## موضوع حقوق‌های نجومی،

### هجوم به ارزش‌هاست

موضوع حقوق‌های نجومی، در واقع هجوم به ارزش‌هاست اما همه بدانند که این موضوع از استثناهاست و اکثر مدیران دستگاه‌ها، انسان‌های پاک‌دست هستند، اما همین تعداد کم نیز خیلی بد است و باید حتماً با آن برخورد شود. ... این موضوع نباید شامل مرور زمان شود بلکه باید حتماً به صورت جدی پیگیری، و نتیجه آن به اطلاع مردم رسانده شود. ... براساس اطلاعاتی که به من رسیده است، میزان دریافتی مدیران در بیشتر دستگاه‌ها، در حد معقول است و دریافتی‌های کلان، مربوط به تعداد اندکی از مدیران است که باید با همین موارد اندک هم برخورد قاطعانه انجام شود.<sup>۱</sup>

## وظایف دانشجو شناسایی

### محیط ، حفظ دین و تقوا

یکی از خصوصیات دانشجو این باید باشد که محیط را با چشم باز نگاه کند؛ هم محیط دانشجویی را، هم محیط کشور را، هم منطقه را، هم محیط جهان را. من بارها گفته‌ام در جنگ‌های نظامی، شناسایی یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین عناصر جنگ است. اگر یک نیرویی قدرت شناسایی نداشت، عامل شناسایی نداشت، بلد نبود شناسایی کند، دچار مشکلات عجیبی خواهد شد. شناسایی یعنی شما بروید محل دشمن را به صورت پنهانی کشف کنید: دشمن کجاها مستقر است، استعدادش چقدر است، امکاناتش چیست؛ اینها را ببینید تا بتوانید از موقعیت استفاده کنید به او حمله کنید و غافلگیر نشوید که او حمله کند. حالا اگر این شناسایی را نکردید، جای دشمن را ندانستید، ممکن است توپخانه شما آتش کند، منتها به روی خودی آتش کند به جای اینکه به روی دشمن آتش کند. اگر شما در دانشگاه یا در

سطح کشور نتوانید شناسایی درست بکنید، محیط را درست بشناسید، گاهی توپخانه شما بر روی دوست آتش می‌کند. یک‌وقت می‌بینید دو تشکّل انقلابی افتاده‌اند به جان هم و با هم دارند برخورد می‌کنند؛ این بر اثر نشناختن محیط است. یا در یک قضیه بین‌المللی که مثلاً فرض بفرمایید مشکلاتی به وجود می‌آید. حالا به هر حال دانشجو وظیفه‌اش این است که محیط را بشناسد؛ محیط را بشناسد، جهان را بشناسد، منطقه را بشناسد. اینکه می‌بینید فلان مدّعی روشنفکری مثلاً فرض بفرمایید در مورد حزب الله لبنان یا سید حسن نصرالله یا پدیده دیگری از این قبیل، ابراز شبهه می‌کند، این بر اثر نشناختن محیط است؛ یعنی خوشبینانه‌اش این است. البته نگاه بدبینانه هم ممکن است کسی داشته باشد؛ اما خوشبینانه‌اش این است که نمی‌داند در منطقه چه خبر است، نمی‌داند سید حسن نصرالله یعنی چه، حزب الله یعنی چه، ارتباطش با ایران چه تأثیراتی در سرنوشت کشور و سرنوشت انقلاب دارد؛ این بر اثر ندانستن است.

پس با چشم باز به محیط دانشجویی و محیط کشور و محیط جهان نگاه کردن که بنده دو سه سال قبل از این تعبیر کردم به «بصیرت»، (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۲/۵/۶) بعضی ها هم دردشان آمد که آقا بصیرت، بصیرت! چرا می گوئید بصیرت؟ خب! بصیرت است دیگر؛ بصیرت یعنی با چشم باز نگاه کردن.

ازجمله وظایف دانشجویی، حفظ دین و تقواست. عزیزان من! برای شماها حفظ دین و تقوا آسان تر از امثال بنده است؛ این را شما بدانید. وقتی ما جوان بودیم، یک عالمی بود در مشهد که با پدر من خیلی دوست بود، خیلی هم پیر بود - آن وقت، به سن حالای ما مثلاً یا بیشتر - ما جوان بودیم، دوست می داشت ماها را، نصیحت می کرد و می گفت که قدر جوانی را بدانید که حتی عبادت کردن هم مال جوانها است، نه مال پیرها؛ برای ما تعجب آور بود، خب! عبادت مال پیرهاست، اما او می گفت عبادت هم مال جوانهاست؛ حالا این را همه حس می کنند. ببینید!

شما دل‌تان زود نرم می‌شود، زود نورانی می‌شود،  
اشک‌تان زود جاری می‌شود، ارتباط‌تان با خدا زود  
برقرار می‌شود؛ این خیلی مغتنم است. این گرایشی  
که امروز در محیط جوان کشور به معنویات وجود  
دارد، خیلی با ارزش است؛ این شب‌های احیاء،  
این مجالس توسل، این اعتکاف‌ها، این دعا‌های  
کمیل، دعای ابوحمزه، این‌همه جوان، این  
اشک‌ها، این توجّه‌ها، خیلی قیمت دارد؛ اینها را  
نگه دارید، اینها ارزش دارد. ارزشش هم فقط برای  
شخص خود شما نیست؛ برای کشور ارزش دارد؛  
همان‌طور که گفتم، وقتی انسان مؤمن شد و دل او  
باور کرد، آن وقت «قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ  
صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»؛ (احزاب، آیه  
۲۲)؛ «... این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و  
خدا و فرستاده‌اش راست گفتند؛ و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان  
نیفزود.» در میدان جنگ هم، مثل یک گلوله آتش،  
در دل هدف می‌نشیند؛ این نتیجه ایمان و ارتباط  
با خداست.<sup>۴</sup>

### اثبات دشمنی آمریکا در برجام

در برجام یک چیز ثابت شد و آن اینکه آمریکایی‌ها دارند دشمنی می‌کنند با ما، دارند دشمنی می‌کنند؛ نه فقط کنگره آمریکا که حالا نقش شمر را دارد بازی می‌کند به اصطلاح، اینهایی هم که نقش شمر را نمی‌خواهند بازی کنند - یعنی دولت آمریکا - اینها هم دارند دشمنی می‌کنند متتها شکل دشمنی‌شان فرق دارد با آنها؛ اما دارند دشمنی می‌کنند؛ اینکه خب! معلوم شد. خب! اینها را ما تجربه قرار بدهیم. عقلانیت این است که انسان با یک چنین دشمنی، با خرد، با تدبیر، با حذر، با فریب نخوردن، با نزدیک نشدن به میدان توطئه او، با وارد نشدن در میدانی که او ترسیم کرده، با اینها باید انسان پاسخ بدهد.<sup>۴</sup>



## قصد آمریکا جلوگیری از حضور ایران در غرب آسیا

بله، آن‌ها [آمریکایی‌ها] در قضیه منطقه غرب آسیا - منطقه سوریه و لبنان و مانند اینها - خیلی دل‌شان می‌خواهد با ایران بنشینند هماهنگی کنند؛ گفته‌اند هم؛ اما ما نمی‌خواهیم. مشکل آن‌ها اصلاً حضور ایران است، آن‌ها به این قصد مذاکره می‌کنند که حضور ایران را متوقف کنند؛ ما سرِ چه چیزی با اینها مذاکره کنیم؟ آن‌ها می‌گویند ایران اصلاً باید نباشد و در این منطقه حضور نداشته باشد، مشکل آن‌ها این است؛ این مشکل را می‌خواهند حل کنند؛ ما چرا کمک کنیم به حلّ این مشکل آن‌ها؟ ما به عکس می‌خواهیم آمریکا حضور نداشته باشد.<sup>۴</sup>

## شناخت دشمنی آمریکا

### براساس تجربه

بعضی خیال می‌کنند اینکه ما بر روی دشمنی آمریکا با ما تکیه می‌کنیم، ناشی از تعصب است؛ نه، ناشی از شناخت است، ناشی از تجربه است. ما ۳۷ سال است داریم تجربه می‌کنیم این دشمنی‌ها را. از اوّل انقلاب این‌ها کمر بستند به دشمنی امام بزرگوار ما و حرکت عظیم او؛ از اوّل انقلاب شروع کردند به توطئه، هنوز هم دارند می‌کنند: سعی کردند اقوام ایرانی را علیه جمهوری اسلامی بشورانند، موفق نشدند؛ سعی کردند عناصر وابسته را علیه مردم بشورانند، تا حدودی هم توانستند اما مردم بر آن‌ها غلبه پیدا کردند؛ تا امروز هم این سعی را دارند می‌کنند اما ملت بیدار است، دولت هشیار است، مسئولین آماده‌اند.

متأسفانه در مناطق دیگر و کشورهای دیگر این نقشه عملی شده است؛ کسانی با پول، با تماس، با سلاح مدرن به کمک تروریست‌ها می‌روند. این‌همه سلاح مدرن را تروریست‌ها از کجا

می‌آورند؟ با چه پولی می‌خرند؟ این‌ها آن چیزهایی است که دنیای اسلام را، امت اسلام را زمین‌گیر می‌کند؛ این‌ها را باید فهمید، این‌ها را باید شناخت.

امروز مشاهده می‌کنیم که در مناطق دیگر هم این کار را دارند می‌کنند. ما در مسئله بحرین هیچ دخالتی نکردیم و نخواهیم کرد اما نصیحت‌شان داریم می‌کنیم، آنجا هم یک منازعه سیاسی است؛ دارند کاری می‌کنند که این منازعه سیاسی را بکشاند به یک جنگ داخلی؛ اگر آگاهی دارند، اگر معرفت دارند، اگر خرد سیاسی بر آن‌ها حاکم است، خب!! نکنند این کارها را. مخالفت سیاسی و منازعه سیاسی در هر کشوری ممکن است وجود داشته باشد؛ چرا باید کاری کنند که ملت‌ها را وادار کنند به پنجه زدن و مردم را در مقابل هم قرار بدهند؟ این‌ها اشتباهاتی است که امروز متأسفانه در برخی از کشورهای دیگر اسلامی انسان مشاهده می‌کند.<sup>۵</sup>

## ترویج نطفه ناپاک تروریسم

### در دنیای اسلام

امروز بغداد عزادار است. بسیاری از کشورهای دیگر اسلامی به خاطر جنگ‌ها، به خاطر خون‌ریزی عزادارند؛ سوریه عزادار است، یمن عزادار است، لیبی عزادار است، بحرین عزادار است. امت اسلامی شایسته این همه مشکلات نیست.

این مشکلات از کجا می‌آید؟ این مشکلات از کدام منبع خبیث و نامبارکی ناشی می‌شود؟ چه کسی این نطفه ناپاک تروریسم را در دنیای اسلام ترویج می‌کند؟ در زبان، همه از تروریسم تبرّی می‌جویند و گاهی علی‌الظاهر یک تظاهر عملی هم علیه تروریسم می‌کنند - به تعبیر رئیس جمهور محترم یک ائتلاف ظاهری و دروغین و مصنوعی علیه تروریسم تشکیل می‌دهند - اما در باطن این‌جور نیست؛ در باطن تروریسم را ترویج می‌کنند. ما فراموش نکرده‌ایم آن روزهایی را که در اوایل قضایای سوریه، سفیر آمریکا بلند شد رفت در بین معارضین تا به آن‌ها دلگرمی بدهد و آن‌ها

را وادار کند که یک منازعهٔ سیاسی را تبدیل کنند به یک جنگ داخلی. این کار کوچکی است؟ خب! منازعات سیاسی در خیلی از کشورها هست؛ چرا باید منازعهٔ سیاسی را تبدیل کنند به جنگ؟! آن‌هم جنگ در خود یک ملت و برادرکشی. بعد هم با پول و با درآمدهای نفتی حرام، جوان‌هایی را از اطراف و اکناف جمع کنند و به آنجا متوجه کنند؛ در سوریه یک‌جور، در عراق یک‌جور. حالا که دیگر گسترش پیدا کرده است؛ در بنگلادش، ترکیه و دیگر جاها. این‌هاست که دنیای اسلام را دچار این بدبختی‌ها می‌کند و این ناامنی را به وجود می‌آورد. چرا ما دشمن خودمان را نمی‌شناسیم؟!<sup>۵</sup>

## هدف آمریکا و استکبار جهانی

### انکار ملت فلسطین

استکبار جهانی و در رأس آن‌ها آمریکا می‌خواهند این منطقه را سرگرم و مشغول به خود بکنند تا رژیم صهیونیستی نفس راحتی بکشد؛ این‌ها می‌خواهند مسئله فلسطین را به فراموشی بسپرنند، این‌ها می‌خواهند وجود یک جغرافیا و یک ملت را انکار کنند. فلسطین یک کشور پدیدآمده جعلی امروزی نیست، فلسطین هزاران سال تاریخ دارد، ملت فلسطین یک ملت است، صاحب یک سرزمین است، صاحب یک منطقه جغرافیایی است؛ استکبار می‌خواهد این‌ها را انکار کند و ملت فلسطین را انکار کند. این فشارهایی که امروز وحشی‌های صهیونیست دارند بر ملت فلسطین وارد می‌کنند، این‌ها سیلی‌اش را خواهند خورد؛ این را بدانند. مسئله فلسطین مسئله محوری دنیای اسلام است، مسئله فلسطین مسئله‌ای است که هیچ کشوری نباید فراموش کند؛ هیچ کشور اسلامی بلکه حتی کشورهای که از وجدان انسانی

برخورد دارند، نباید فراموش کنند که این یک مسئله اصلی است، مسئله اساسی است. یک ملت مظلوم است، یک ملت در محاصره است، یک ملت دائماً دارد در طول این هفتاد سال اخیر مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد؛ این را نباید فراموش بکنند. قضایای دیگر دنیای اسلام به گمان ما غالباً برای این است که این مسئله فلسطین فراموش بشود، آن وقت فاجعه آفرینی می‌کنند.<sup>۵</sup>

## ضعف آمریکا در منطقه

آمریکا در منطقه روزبه‌روز رو به ضعف بیشتر است. نقشه‌هایش افشا شده است و معلوم است که دنبال چه کاری است: در کشورهای مختلف می‌خواهد دخالت کند. این جور هم نیست که فقط با ما دشمن باشد و با دیگران دوست باشد؛ نه، شما ملاحظه کردید در کشور ترکیه؛ البته هنوز به نظر ما اثبات نشده است، اما اتهام قوی وجود دارد که این کودتایی که در ترکیه رخ داد، با تدبیر و تهیۀ آمریکایی‌ها بود. اگر ثابت بشود، رسوایی بزرگی برای آمریکاست. ترکیه کشوری بود که روابط خوبی با آمریکا داشت و می‌گفت متحد منطقه‌ای آمریکاست؛ اما حتی با ترکیه هم حاضر نیستند بسازند؛ چون یک گرایش اسلامی آنجا وجود دارد؛ با اسلام مخالف‌اند، با گرایش اسلامی مخالف‌اند، لذا آنجا هم حتی کودتا راه می‌اندازند، البته سرکوب شد، مغلوب شدند و در چشم مردم ترکیه هم منفور شدند؛ در جاهای دیگر هم همین جور است؛ هم در عراق، هم در سوریه، هم در مناطق گوناگون دیگر بحمدالله روزبه‌روز رو به ضعف‌اند.<sup>۸</sup>



## عدم حل مشکلات

### ایران و آمریکا با مذاکره

در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمی‌شود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب بکنیم، آن راه‌مان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بدود، بگذارید دشمن دنبال شما بدود. مسئولین سیاسی و دیپلماسی ما صریحاً می‌گویند که آمریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند، اما هیچ چیز ندهند! اگر یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می‌آیند. اینکه ما مدام می‌گوییم مذاکره نمی‌کنیم، ولی بعضی‌ها می‌گویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف می‌کند، امتیاز را از شما می‌گیرد - وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشستن و گعده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر - و آنچه را باید بدهی از شما می‌گیرد، اما آنچه را باید

بدهد، به شما نمی‌دهد؛ زورگویی می‌کند؛ خب  
مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین،  
یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن،  
پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهد  
ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را  
تخلف می‌کند.<sup>۸</sup>

## آمریکا شیطان بزرگ

خب امام بزرگوار ما فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ واقعاً این تعبیر، تعبیر فوق‌العاده‌ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل می‌کند که شیطان در قیامت به کسانی که از او متابعت کرده‌اند می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ»؛ (ابراهیم، آیه ۲۲) شیطان به پیروان خودش می‌گوید خدا وعده روراست درست به شما داده بود، شماها از وعده خدا پیروی نکردید، پابند نماندید؛ من وعده دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید! من تخلف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این‌جور در قیامت ملامت میکند. بعد هم خدای متعال می‌فرماید از قول شیطان که به آنها می‌گوید که «فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْ مَوَا أَنْفُسَكُمْ»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عیناً امروز منطبق است با آمریکا. حالا شیطان در قیامت این حرف را می‌زند، آمریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را می‌زنند؛ وعده می‌دهند، عمل نمی‌کنند، تخلف

می‌کنند. امتیاز نقد را می‌گیرند، امتیاز نسیه را  
نمی‌دهند؛ وضع آمریکا این است. خب، پس به  
دیگران نباید اعتماد کرد.<sup>۸</sup>

## آماج دشمن، ایمان مردم وجوانان

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه غرب آسیا - که اسمش را گذاشته‌اند خاور میانه - قدرت‌های درجه یک مادی دنیا زمین‌گیر شده‌اند؛ آمریکا امروز در منطقه غرب آسیا زمین‌گیر است. اینها امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت است از تصرف همه منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها بیایند زیر چتر آنها، از امکانات اینها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، اما امروز نتوانسته‌اند. چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده. این، مانع شده. اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود،

تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران می‌رفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان‌که دیگران رفتند. بنابراین، آماج حمله آنها همین چیزی است که این بنای اسلامی را به وجود آورده؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که ما دیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. یک مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلدبودن شیوه مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمان مردم را کشاند به سمت این هدف بلند و مردم به میدان آمدند؛ وقتی مردم در میدان بودند، هیچ قدرت مادی‌ای کاری نمی‌تواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم است که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج دشمن، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.<sup>۱۰</sup>

## افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

### انقلابی‌گری تندروی نیست

البته انقلابی‌گری بر خلاف نظر و تبلیغ  
برخی‌ها، تندروی نیست بلکه انقلابی‌گری یعنی  
«عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه،  
قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن».<sup>۲</sup>

## حادثه هفتم تیر و رسوایی بزرگ

### دولت‌های غربی و آمریکا

امروز بعد از گذشت ۳۵ سال از حادثه هفتم تیر و شهادت آن عزیزان، همچنان این حادثه الهام‌بخش است. یعنی یک گروه تروریست خبیث بی‌رحم در داخل کشور، مجموعه بزرگان و شخصیت‌های اصلی و ارکان کشور را مورد تهاجم قرار می‌دهند، آن‌ها را ترور می‌کنند و کشور را از وجود آن‌ها محروم می‌کنند، بعد می‌گیرند و می‌روند در آغوش همین کشورهایی که ادعای ضدیت آن‌ها با تروریسم دنیا را پُر کرده و آن‌ها، این‌ها را در آغوش می‌گیرند. دولت‌های اروپایی - حالا این دولت‌های آسیایی و امثال این مرتجعین منطقه که قابل ذکر نیستند - که این همه ادعای ضدیت با تروریسم و طرفداری از حقوق بشر و این حرف‌ها را با صدای بلند می‌گویند و خودشان را صاحب ماجرا و صاحب قضیه می‌دانند، این سؤال از آن‌ها بی‌پاسخ است که چرا آغوش باز کردند و قاتلان این ملت را در آغوش گرفتند؟



چرا این‌ها را پناه دادند؟ چرا این‌ها را به دولت جمهوری اسلامی تسلیم نکردند که حکم الهی را درباره این‌ها جاری کند؟ چرا؟ این رسوایی بزرگ حکومت‌های غربی و دولت‌های اروپایی و آمریکا در این قضیه، یک حادثه تاریخی است؛ این خیلی امر مهمی است، از این نمی‌شود به آسانی گذشت و تاریخ از این حادثه نمی‌گذرد؛ این یک طرف قضیه است. یک طرف قضیه، خود این تروریست‌ها؛ این‌ها کسانی هستند که به عنوان دفاع از خلق، بعضی‌های‌شان حتی دفاع از اسلام، وارد ماجرای مبارزات شدند و این افتضاح را، این فاجعه آفرینی را در پرونده خودشان ثبت کردند، و بعد هم رفتند به کسی مثل صدام پناهنده شدند. همین‌هایی که ادعای ضدآمریکایی بودن می‌کردند، پناهنده شدند به صدام، و امروز هم در زیر چتر حمایت آمریکا دارند زندگی می‌کنند؛ چه در عراق، چه در بخشی از اروپا که این‌ها را به آنجا منتقل کردند. ماجرای عجیبی بود این ماجرای هفتم تیر سال ۶۰. این حادثه بزرگ درس دارد، عبرت دارد.<sup>۳</sup>

## ایستادگی امام خمینی علیه السلام

### شیوه پیغمبران

اینکه دیدید امام بزرگوار ما ایستاد؛ خب!، امام  
 اوّل کار تنها بود، بعدها مردم آمدند، بعدها خواص  
 آمدند و توده مردم آمدند؛ از همان اوّل که تنها بود  
 محکم ایستاد، تا آخر هم می گفت که اگر همه هم  
 پشت به من بکنند من این راه را خواهم رفت، خدا  
 به پیغمبرش هم می فرماید که اگر تو تنها هم بودی  
 باید بروی جهاد؛ تک و تنها هم بودی باید بروی  
 جهاد؛ البتّه «حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ»، (انفال، آیه ۶۵)؛ «...  
 مؤمنان را به جهاد برانگیز ...» به دیگران هم بگو اما اگر  
 تنها هم ماندی باید بروی؛ این به خاطر ایمان است،  
 وقتی ایمان در کسی قوی شد تنها هم بماند  
 می رود. آن وقت این مشکلاتی که حالا گوشه کنار  
 پیدا می شود که یکی طعنه ای می زند، یکی یک  
 حرفی می گوید، یکی یک مخالفتی می کند، این ها  
 دیگر در سر راه، مانع به حساب نمی آید. قرآن را  
 حتماً بخوانید، دعاها را بخوانید، به صحیفه  
 سجّادیه اهمّیت بدهید.<sup>۴</sup>

## پیچیدگی فضای سیاسی

### و چند بُعدی کنونی

فضای سیاسی پیچیده و چندبُعدی کنونی امروز خیلی پیچیده است؛ چندلایه است؛ مثل دههٔ شصت نیست؛ دههٔ شصت معلوم بود: یک جنگی در غرب کشور و جنوب کشور برپا بود، یک دشمنی حمله کرده بود؛ وظیفه روشن بود، معلوم بود که همه باید بروند مثلاً فرض کنید نقش ایفا کنند؛ هرکسی به یک جوری. در تهران هم اگر یک عَلم مخالفتی بلند می‌شد، از طرف خود مردم مغلوب و منکوب می‌شد که تو داری در دورهٔ جنگ مثلاً این کار را می‌کنی. جنگ سخت این است دیگر. این تجربه را آمریکایی‌ها و دیگران دارند که به جنگ سخت با جمهوری اسلامی رو نمی‌آورند، اقدام نمی‌کنند؛ می‌دانند که اگر جنگ نظامی رخ بدهد، بسیاری از نقشه‌های امنیتی و فرهنگی آن‌ها در داخل کشور به هم می‌خورد. امروز برنامه، برنامهٔ پیچیده‌ای است؛ هم امنیتی است، هم فرهنگی است، هم اقتصادی است، هم

سیاسی است. برنامه‌ها برنامه‌های درهم‌تنیده‌ای است؛ در این شرایط، وظایف خیلی سنگین است؛ برنامه‌های امنیتی دارند. خب! اینها خطر است دیگر؛ اینها چیزهایی است که مواجهه با اینها تدبیر می‌خواهد، عقل می‌خواهد، دقت می‌خواهد، مطالعه می‌خواهد. یعنی نمی‌شود انسان همین‌طور سرش را پایین بیندازد و این‌جوری حمله بکند؛ با چشم بسته نمی‌شود کار کرد.<sup>۴</sup>

## مجموعه دانشجویی پیشران

### مبارزه با استکبار جهانی

که ملت ایران چه بخواهد چه نخواهد درگیر یک مبارزه سرنوشت ساز است و طبعاً مجموعه دانشجویی جزو این مبارزه و جزو پیشروان و پیشران‌های این مبارزه است. این مبارزه هم از این جا آغاز می‌شود که ملت ایران مایل است که مستقل باشد، عزیز باشد، پیشرفته باشد، خودش از امکاناتش استفاده کند؛ و اگر این کارها اتفاق بیفتد، یک قدرت نوظهوری در دنیا خواهد شد؛ با تفکرات خاص و با جهت‌گیری‌های خاص. این با منافع قدرت‌های مسلط جهانی معارض است؛ لذا نمی‌خواهند بگذارند این اتفاق بیفتد؛ مبارزه از این جا شروع می‌شود. این که بعضی‌ها نظام را متهم کنند به اینکه «سرِ جنگ با این و آن دارند و نمی‌گذارند که کشور نفسی بکشد و کاری بکند»، این‌ها حرف‌های سطحی و نااندیشیده است؛ حرف‌های درستی نیست، حرف‌های غلطی است. حالا مثلاً فرض کنید ممکن است که امروز

سیاست‌های فلان دولت - مثلاً آمریکا - اقتضا بکند که بین سردمداران نظام جمهوری اسلامی تفکیکی قائل بشود و بگویند این خوب است، آن بد است اما آن وقتی که فرصت بکنند همان خوب هم تبدیل می‌شود به بد؛ این را همه بدانند. تا وقتی مسئله‌ای به نام جمهوری اسلامی وجود دارد و افکار و آرمان‌هایی به عنوان آرمان‌های جمهوری اسلامی مطرح است، این با مزاج و ذائقه قدرت‌های جهانی سازگار نیست و با این مبارزه می‌کند تا او را در مُشت بگیرند؛ همچنان‌که در گذشته و امروز هم در بعضی کشورهای دیگر، و در گذشته کشور خود ما هم در مُشت آن‌ها بود. خب! ایران کشور مهمی است، ظرفیت‌های مهم اقتصادی و مالی و فرهنگی و تاریخی و غیره دارد، همه این مجموعه در اختیار آمریکا بود - اوّل انگلیس؛ بعد هم آمریکا - حاکمش را او معین می‌کرد، رضاخان را انگلیس‌ها سرکار آوردند؛ محمّد رضا را آن‌ها سرکار آوردند؛ بیست و هشتم مرداد را آن‌ها به وجود آوردند؛ دخالت‌های

گوناگون در سیاست‌های ارتباطاتی و اقتصادی و غیره؛ همه در اختیار آن‌ها بود؛ آن‌ها این را می‌خواهند؛ همچنان‌که امروز در مورد کشورهای دیگر هست.

خب!، یک کشور اسلامی که یک‌روزی مصر را به‌خاطر ارتباط کمپ دیوید (پیمان صلح مصر با اسرائیل) طرد کردند و از جامعه عرب بیرون کردند، صریحاً با اسرائیل - با رژیم صهیونیستی - اعلام ارتباط می‌کند! این به‌خاطر چیست؟ به‌خاطر این است که آمریکا این را می‌خواهد. این‌ها هم مایلند که جمهوری اسلامی و کشور عزیز ما هم همین‌جور باشد: هر‌جور آن‌ها می‌خواهند، ما همان‌جور عمل بکنیم؛ هرطرف آن‌ها می‌گویند، به آن‌طرف حرکت کنیم؛ با یکی ببندیم، با یکی قهر کنیم؛ به یکی بفروشیم، به یکی نفروشیم؛ دعوا از این‌جا شروع می‌شود. این ملت به حکم غیرت خود، به حکم سابقه خود، به حکم هویت خود و به حکم اسلام ایستاده است! اسلام اجازه نمی‌دهد؛ مبارزه این است. بنابراین یک مبارزه‌ای وجود دارد و این

مبارزه با نظام جمهوری اسلامی خواه‌ناخواه هست؛ تا وقتی جمهوری اسلامی هست، این مبارزه هست. اگر بخواهند این مبارزه از بین برود فقط باید یکی از دو حالت پیش بیاید: یا باید جمهوری اسلامی آن‌قدر نیرومند و قوی بشود که بتواند حرف خودش را به کرسی بنشاند و طرف مقابل جرأت نکند به او تعرض بکند که ما دنبال این راه‌ایم؛ یا بایستی هویت اصلی خودش را از دست بدهد و صورت بی‌جانی باشد، اسم بی‌مسئایی باشد، مثل بعضی کشورهای دیگری که اسم‌شان جمهوری اسلامی است و از اسلام هم در آن‌ها هیچ خبری نیست. یکی از این دوتا راه است؛ راه سوّمی وجود ندارد. خب! بنابراین این مبارزه یک مبارزه حتمی و اجتناب‌ناپذیر است؛ یک میدان مبارزه است.

اوّلین آماج آن‌ها هم در این میدان مبارزه، اصل نظام اسلامی است؛ نظام اسلامی آماج اصلی آن‌هاست، بقیه مسائل، مسائل بعدی است یا مسائل فرعی است؛ آن چیزی که هویت اصلی نظام را



تشکیل می‌دهد، آماج حمله آن‌هاست. البته من بارها در مورد حفظ نظام صحبت کرده‌ام؛ اینکه امام فرمودند حفظ نظام از اوجب واجبات است یا اوجب واجبات است، (جمله، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ «پیام به ملت ایران در سالگرد پیروزی انقلاب (۱۳۶۳/۱۱/۲۲) مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ‌چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن، عقلاً منجز است.» بعضی تصوّر می‌کنند که منظور از نظام که در این جا گفته می‌شود صرفاً همین ساختار سیاسی موجود است که این را ما باید به هر قیمتی حفظ کنیم؛ نه، تنها این نیست، نظام فقط ساختار سیاسی نیست؛ نظام یعنی ساختار سیاسی با مجموعه اهداف و آرمان‌هایی که در آن است. حفظ نظام، یعنی حفظ همه ارزش‌هایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آن‌ها می‌داند؛ مثل عدالت، مثل پیشرفت، مثل معنویت، مثل علم، مثل اخلاق، مثل مردم‌سالاری، مثل قانون‌گرایی، مثل آرمان‌گرایی؛ آرمان‌گرایی جزو مؤلفه‌های اصلی نظام اسلامی است و نظام

اسلامی بدون آرمان‌گرایی یک چیز سطحی و  
صوری است. خب!، حالا دانشجو که زبده و  
عصاره توانایی‌های یک ملت است - چون جوان  
است و عالم است و آینده‌دار است و آینده  
مملکت دست اوست - نمی‌تواند خودش را از این  
مبارزه برکنار بداند؛ باید مبارزه کند.<sup>۴</sup>

## ضرورت حضور جسمانی

### و بیانی در تشکّل‌ها

توصیه‌ای که ما به تشکّل‌ها می‌کنیم، این است که حضور داشته باشند؛ حضور. مقصود فقط حضور جسمانی نیست؛ هم حضور فکری، هم حضور بیانی - که حالا تبیین را بعداً عرض خواهم کرد - هم احیاناً حضور جسمانی آن‌وقتی که لازم باشد در مسائل اصلی کشور؛ یعنی هم دوستان انقلاب، هم دشمنان انقلاب باید مواضع شما را در زمینه مسائل مهمّ کشور بدانند؛ وقتی نمی‌دانند، خب! فرض کنید فلان خبرنگار اروپایی یا آمریکایی می‌آید ایران، بعد هم می‌رود به جان کری گزارش می‌دهد، او هم می‌گوید: - همین دو سه روز پیش گفت: - که بله، کسانی که از ایران می‌آیند، به من خبر می‌دهند که جوان‌های ایرانی در کافی‌شاپ‌ها می‌نشینند، قهوه می‌خورند و راجع به آینده کشورشان حرف می‌زنند؛ دلش خوش است! (خنده حضار) حالا اینکه چند تا کافی‌شاپ را رفته‌اند دیده‌اند، بنده خبر ندارم؛ حالا گیرم بیست

تا، سی تا، پنجاه تا کافی شاپ را هم دیده‌اند - کافی شاپ هم یعنی همان قهوه‌خانه؛ کافی شاپ تقریباً ترجمه تحت‌اللفظی قهوه‌خانه است متنها از کلمه قهوه‌خانه بعضی‌ها پرهیز می‌کنند، اسمش را می‌گذارند کافی شاپ - حالا چند تا جوان هم رفته‌اند در قهوه‌خانه نشسته‌اند، فرض کنید از نظام و از رهبری و از امام و از انقلاب هم بدگویی کرده‌اند و آرزو کرده‌اند که یک روزی این نظام تغییر پیدا کند. مجموعاً در این ده بیست قهوه‌خان‌های که این آقایان رفته‌اند و بعد رفته‌اند به این آقای وزیر خارجه اطلاع داده‌اند، مثلاً ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر آدم این جوری بوده‌اند. او حالا دلش خوش است و در یک مصاحبه یا در یک گزارش، به یک مرکز رسمی می‌گوید: - همین دو سه روز بوده، من درست یادم نمانده، در یک گزارش این را علنی می‌گوید: - و در دنیا پخش می‌شود. خب! حالا در مقابل این اگر هزاران دانشجوی مؤمن مسلمان درباره فلان مسئله‌ای که آن آقا رویش حساسیت دارد اعلام موضع کنند، ببینید چه اثری

می‌کند. بله، او منتقل نمی‌کند آن را، منعکس نمی‌کند اما خودش می‌فهمد. بنده بارها به این‌هایی که گلایه می‌کنند و می‌گویند آقا، اخبار انقلابی را رسانه‌های دنیا منتشر نمی‌کنند، می‌گویم آن‌هایی که باید بفهمند می‌فهمند و به آن‌هایی که باید برسد می‌رسد. به رئیس‌جمهور آمریکا حتماً می‌رسد، به وزیر خارجه آمریکا می‌رسد، به اعضای شورای ارتباطات خارجی آمریکا می‌رسد، به عناصر مؤسسه فلان که سیاست‌گذار است می‌رسد؛ آن‌ها می‌فهمند. وقتی شما به‌عنوان دانشجو مثلاً دربارهٔ برج‌های عقیده‌ای دارید و آن را اظهار می‌کنید، دربارهٔ فرض بفرمایید که ارتباط با آمریکا عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، دربارهٔ اقتصاد مقاومتی عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، دربارهٔ آیندهٔ کشور عقیده‌تان را اظهار می‌کنید، این عقیده، عقیده‌ای است انقلابی، محکم، مستدل؛ این در روحیهٔ دشمن اثر می‌گذارد. من که گفتم شما افسر جنگ نرمید، خب! اینها لازمهٔ افسری جنگ نرم است. اینها جنگ نرم است؛ در جنگ نرم همیشه

که در موضع دفاع نباید انسان قرار بگیرد، در موضع تهاجم هم باید قرار بگیرد؛ این تهاجم است؛ یکی از وظایف این است؛ حضور فکری؛ مواضع شما روشن باشد.<sup>۴</sup>

### دو نکته مهم در اعلام موضع انقلابی

اعلام موضع انقلابی مهم است. منتها در این اعلام موضع چند نکته باید مورد توجه قرار بگیرد: اولاً مستدل باشد. ببینید، امروز راجع به قراردادهای نفتی صحبت شد، راجع به اقتصاد مقاومتی صحبت شد، راجع به کتمان حقوق‌های فلان در مجمع تشخیص مصلحت صحبت شد؛ دقیق نبود، اطلاعات، اطلاعات دقیقی نبود. بله، کار شما که اعتراض می‌کنید، این مورد تأیید من است اما حرف حرف دقیقی نبود؛ یعنی شما مطلع نیستید. کمااینکه مثلاً فرض بفرمایید یکی از دوستان راجع به نهادهای زیر نظر رهبری - حالا زیر نظر رهبری یک قدری مسامحه است، یعنی وابسته به دستگاه رهبری - مثل بنیاد مستضعفان،

مثل ستاد اجرائی فرمان امام صحبت کردند. خیلی خوب، من اصلاً پیشنهاد می‌کنم گروه‌های دانشجویی تور بازبینی در مورد همین نهادها ترتیب بدهند و بروند ببینند؛ کارهای خوبی کردند، کارهای جالبی کردند؛ شما هم اگر بودید همان کارها را می‌کردید که آن‌ها دارند می‌کنند. حالا گیرم در یک موردی یک اقدامش را شما نپسندید یا استدلالش را ندانید، اشکالی ندارد؛ کارهای خوبی دارد انجام می‌گیرد، این کارهای خوب را بدانید. پس موضعی که می‌گیرید موضع متقن و مستدل باشد؛ موضعی باشد که نتوانند درباره‌اش خدشه کنند.

دوم اینکه به‌هنگام باشد. گاهی اوقات موضع‌گیری در یک مورد و یک چیزی، در یک وقت خوب است، اما فردایش خوب نیست؛ یعنی بی‌فایده است یا گاهی هم مضر است؛ باید حواستان باشد به‌هنگام این کار را انجام بدهید.<sup>۴</sup>

## ضرورت افزایش سطح آگاهی سیاسی و دینی

سطح آگاهی سیاسی و دینی خودتان را افزایش بدهید. نگویید ما همه چیز را بلدیم، به همه چیز مسلط‌ایم؛ نه، گاهی سطح آگاهی‌های سیاسی کم است، گاهی سطح آگاهی‌های دینی کم است. امروز امکانات فراوان است برای این معنا؛ هم در مورد سیاست، هم در مورد دین. حالا در مورد دین، مثلاً حوزه علمیه قم - حالا یکی از دوستان گلایه سخت و تند حساسی و جان‌داری از حوزه علمیه قم کردند؛ البتّه نصفش وارد است، نصفش وارد نیست؛ به‌طور کلی نمی‌شود رد کرد، نمی‌شود هم قبول کرد، یک اشکالاتی هم داشت - امروز ظرفیت خیلی خوبی برای تفکرات دینی‌ای که بتواند در اختیار شما قرار بگیرد، دارد. من همین چند شب پیش اتفاقاً در تلویزیون دیدم یکی از بزرگان و علمای بزرگ حوزه علمیه قم راجع به پلورالیسم، با یک بیان ساده قرآنی یک بحث بسیار خوب و کوتاهی کرد؛ چون یک عده‌ای هستند که می‌خواهند پلورالیسم را به اسلام نسبت بدهند؛ چون اسلام گفته: «إِنَّ الدِّينَ أَمَنُوا



وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِّينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ، (بقره، آیه ۶۲)؛ «درحقیقت، کسانی که به اسلام ایمان آورده،  
و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صائبان، هر کس به خدا و روز  
بازپسین ایمان داشت ...» پس اسلام «همه‌دینی» است و به  
هر دینی که خواستید عمل کنید؛ خب! این حرف  
غلطی است اما خب! حرفی است که با تعبیرات و با  
شدّ و مدّ (طول و تفصیل) و با های و هوی، مدّعیانی این را  
چند سال ابراز می‌کنند، یک عده‌ای از بیچاره‌ها را  
هم تحت تأثیر قرار می‌دهند. خب! من می‌بینم یک  
عالم برجسته دینی در تلویزیون با بیان خیلی ساده و  
کاملاً اقناع کننده - کاملاً اقناع کننده - این منطق را رد  
می‌کند؛ خب! این مغتنم است. یا یک عالم برجسته  
دیگری - اتفاقاً این را، در همین ایام ماه رمضان دیدم؛  
دو شب تصادفاً تلویزیون را باز کردم؛ باز بود یعنی،  
من نگاه کردم - راجع به مسئله علم امام و علم  
پیغمبران یک بحث بسیار خوب و مقنع و روشن بیان  
کرد. خب! اینها معلومات دینی ما را بالا می‌برد؛  
معلومات سیاسی هم همین‌جور. آگاهی‌های علمی  
دینی و سیاسی خودتان را افزایش بدهید، کتاب‌خوانی،  
شنیدن از برجستگان حوزوی و دانشگاهی.<sup>۴</sup>

## ضرورت تشکیل جبهه واحد ضد آمریکایی

### و ضد صهیونیستی در سطح دانشجویان

تشکیل یک جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد یک جبهه ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی [تشکیل بدهید]. امروز وسیله ارتباط هم آسان است، دیگر نامه نگاری و پست و تلگراف و مانند اینها لازم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما اینکه در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی مآب ها یک کمپین های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدیت با سیاست های آمریکایی و سیاست های صهیونیستی. میلیون ها عضو وارد این مجموعه بشوند، وارد این جریان فکری بشوند و برایشان خوراک تهیه کنید؛ آن وقت آن ها هم برای شما خوراک تهیه می کنند، چون در دنیای اسلام هم بالاخره افکار خوب دانشجویی وجود دارد؛ یک جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام به وجود بیاورید.<sup>۴</sup>

## حمایت از فتنه و دم از امام

### و طرفداری از نظام

یکی از چیزهایی که خیلی مهم است که حالا نمی‌شود از این بگذرم و باید بگویم این است که رسم شده که از امام و نظام و انقلاب دم بزنند اما با کسی هم که می‌گوید «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» همکاری کنند یا از او حمایت کنند؛ این نمی‌شود. موضع بنده در این مورد کاملاً صریح است؛ من بارها گفته‌ام که برای من این تقسیمات اصولگرا و اصلاح‌طلب و اصلاح‌طلب مدرن و سنتی و از این حرف‌هایی که می‌زنند، مطرح نیست؛ من به این اسم‌ها اصلاً اهمیتی نمی‌دهم و توجه ندارم؛ به محتواها کار دارم؛ اما روی مسئله فتنه حسّاسم. حالا البته اکثر کسانی که در آن تظاهرات شرکت داشتند مردم معمولی بودند و هیچ تقصیری هم نداشتند اما یک عده‌ای سردمداری می‌کردند، یک عده هم سوءاستفاده کردند و گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است»؛ دیگر از این صریح‌تر؟! آیا

این شعار داده شد یا نه؟ خب! اگر این شعار داده شده، تبری از این شعار، آن روز هم لازم بود و باید می‌کردند که نکردند، حالا هم یک عده‌ای از آن‌ها حمایت بکنند، آنوقت دم از امام و طرفداری از امام و طرفداری از نظام و طرفداری از انقلاب هم بزنند! این نمی‌شود، این قابل قبول نیست. این پدیده بسیار بدی است، پدیده زشتی است، این پدیده را ما اصلاً نمی‌پسندیم.<sup>۴</sup>

## ظلم و خباثت آمریکایی‌ها در برجام

گاهی دشمنان موانعی ایجاد می‌کنند. بله، عاقلانه است که انسان برود با تدبیر، این موانع را برطرف کند، اما به دشمن اطمینان نمی‌شود کرد؛ یک نمونه‌اش همین مذاکرات هسته‌ای و برجام است که امروز مسئولین دستگاه دیپلماسی خود ما و همان کسانی که در این مذاکرات از اوّل تا آخر حضور داشتند، همین‌ها دارند می‌گویند آمریکا نقض عهد کرده است، آمریکا زیر ظاهر آرام و زبان چرب و نرم مسئولانش و وزیر خارجه‌اش و دیگران، از پشت دارد تخریب می‌کند، مانع ارتباطات اقتصادی کشور با کشورهای دیگر دنیا است؛ این را مسئولین خود برجام دارند می‌گویند. این حرفی است که بنده البته از یک سال پیش و یک سال و نیم پیش، مرتّب تکرار کردم که به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد - بعضی‌ها سختشان بود قبول کنند - اما امروز خود مسئولین ما می‌گویند. همین هفته گذشته، مسئولین محترم مذاکره کننده ما با طرف‌هایشان در اروپا جلسه

داشتند؛ همین حرف‌ها را مسئولین ما به آنها گفتند و آنها جواب نداشتند؛ گفتند شما این نقض عهد را کردید، این تخلف را کردید، این کاری را که باید انجام می‌دادید انجام ندادید، از پشت سر این‌جور تخریب کردید، آنها هم جوابی نداشتند بدهند؛ شش ماه هم از امضای برجام می‌گذرد، هیچ تأثیر محسوس و ملموسی هم در وضع معیشت مردم به وجود نیامده است؛ درحالی‌که خب، برجام اصلاً برای برداشتن تحریم‌ها بود؛ برای اینکه تحریم‌های ظالمانه برداشته بشود. مگر غیر از این است؟! خب! برداشته نشده! حالا می‌گویند: بتدریج، یواش یواش دارد درست می‌شود! مگر بحث سر یواش یواش بود؟ آن روز مسئولین، هم به ما می‌گفتند، هم به مردم می‌گفتند که در این مذاکرات، قرار بر این است که وقتی ایران تعهدات خود را انجام می‌دهد، یکباره همه تحریم‌ها برداشته بشود؛ یعنی این مانعی که آمریکا سر راه ملت ایران ظالمانه و خباثت‌آمیز به وجود آورده بود، برداشته بشود؛ خب حالا شش ماه از

این موعد گذشته است، برداشته نشده؛ شش ماه برای یک مملکت هشتاد میلیونی زمان کمی است؟! در این شش ماه دولت محترم کم می‌توانست کار بکند اگر چنانچه این خباثت آمریکایی‌ها نبود؟ این برجام شد برای ما یک نمونه، یک تجربه. بنده سال گذشته در سخنرانی عمومی - یا سال گذشته بود یا یک‌سال‌ونیم پیش بود؛ درست یادم نیست تاریخش - (بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع) در سالروز میلاد حضرت فاطمه (س) (۱۳۹۴/۱/۲۰) گفتم برجام و این مذاکرات هسته‌ای، برای ما یک نمونه خواهد بود؛ ببینیم آمریکایی‌ها چه کار می‌کنند؛ اینها که حالا با زبان چرب و نرم می‌آیند، گاهی نامه می‌نویسند، اظهار ارادت می‌کنند، اظهار همراهی می‌کنند، در جلسات مشورتی و مذاکرات که می‌نشینند، با زبان چرب و نرم با مسئولین ایرانی صحبت می‌کنند، خیلی خب! ببینیم در عمل چه کار می‌کنند! حالا معلوم شد در عمل چه کار می‌کنند! در ظاهر وعده می‌دهند، با زبان چرب و نرم حرف می‌زنند اما در عمل توطئه می‌کنند، تخریب می‌کنند،

مانع از پیشرفت کارها می‌شوند؛ این شد آمریکا؛ این شد تجربه. حالا آمریکایی‌ها می‌گویند بیااید درباره مسائل منطقه با شما صحبت کنیم! خب، این تجربه به ما می‌گوید این کار برای ما سمّ مهلک است.

این تجربه به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمی‌توانیم با او مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف می‌زند اما دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهدات خود نخواهد زد. با این دشمن می‌شود حرف هم زد، بله؛ اما وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابائی ندارد و نقض عهد می‌کند، بعد هم وقتی می‌گوییم آقا چرا نقض عهد کردی، باز لبخند می‌زند، باز زبان چرب و نرم را باز می‌کند و یک جواری توجیه می‌کند، با این دشمن نمی‌شود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سال‌هاست دائم تکرار می‌کنم که با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم علتش این است.<sup>۸</sup>



## بی بصیرتی سران فتنه

### مورد استفاده دشمن

در ایام فتنه در سال ۸۸ در اوّل کار، بنده یکی از این سران فتنه را خواستم و به او گفتم که آقایان، این کاری که شما شروع کرده‌اید و دارید می‌کنید، دست بیگانه‌ها خواهد افتاد و دشمن از این استفاده خواهد کرد؛ شما حالا به‌ظاهر درون نظام هستید، با نظام هستید و به قول خودتان دارید یک اعتراض مدنی - من‌باب‌مثال یک اعتراض به انتخابات - می‌کنید اما این کاری که دارید می‌کنید مورد استفاده دشمنان اصل نظام قرار خواهد گرفت؛ گوش نکرد؛ یعنی نفهمیدند که چه داریم می‌گوییم؛ حالا البته این نگاه خوشبینانه بنده است که می‌گویم نفهمیدند، بعضی هم ممکن است جور دیگری فکر کنند. وارد شدند؛ بعد دیدید از درونش چه درآمد؛ گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است». خب، حالا عذر بیاوریم که اینها که یک مشت جوان بودند، یک چرندی، یک حرف بی‌ربطی گفتند؛ نه، این‌جوری نیست.

اگر چنانچه در زیر عبای بنده کسی حرفی بزند که من با آن مخالفم، خب بایستی او را از زیر عبایم بیرون کنم؛ بایستی اعلام کنم که مخالفم و آلا به حساب من گذاشته خواهد شد؛ همه وزن و وزانتی که صاحب عبا دارد، پشتوانه آن حرف خواهد شد. حرف، اینهاست؛ ببینید! نگاه به مسائل جاری، این جوری باید باشد؛ بصیرت سیاسی که ما می‌گوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا می‌برد، به کجا دعوت می‌کند، به کجا می‌کشاند. آیا به سمت اهداف اسلامی داریم حرکت می‌کنیم؟ به سمت تدین روزافزون جامعه داریم حرکت می‌کنیم؟ یا آن‌چنان‌که دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتی بیشتر حرکت می‌کنیم، به سمت دلباختگی بیشتر به اقطاب (قطب‌ها، جهت‌ها) مخالف دین داریم حرکت می‌کنیم. آن بصیرت سیاسی، این است. اگر چنانچه این را فهمیدیم، آن‌وقت معلوم می‌شود که بایستی با زید باشیم یا با عمرو باشیم، یا از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه این نگاه کلان باید فهمید. این هم یک مسئله است.<sup>۱۰</sup>

## حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

### مبارزه برای حل مشکلات

#### با امید و ایستادگی

آنچه من می‌خواستم به شما بگویم این است که مبارزه مشکلاتی دارد؛ بعضی از مشکلات مربوط به کلان کشور است و وظیفه مسئولین است که دنبال کنند و این مشکلات را برطرف کنند، حالا یا با شیوه دیپلماسی، یا با شیوه فرهنگی، یا با شیوه دیپلماسی عمومی - که خوشبختانه جمهوری اسلامی در این زمینه دستش باز است - چه با شیوه‌ها و فعالیت‌های درونی مثل تقویت اقتصاد، تقویت تجهیزات نظامی و امثال اینها، اینها چالش‌های اساسی‌ای است که مسئولین نظام باید اینها را انجام بدهند و با آنها درگیر بشوند؛ بعضی از مشکلات هم مشکلات درون کشور است.

یعنی اگر زود ناامید شدید، زود خسته شدید، کار پیش نمی‌رود؛ باید ناامید نشوید، باید حرکت کنید. ببینید! این انقلاب براساس یک مبارزه

طولانی شروع شد. حوادثی که در سال ۵۷ و ۵۶  
 اتفاق افتاد که حرکت عظیم مردمی به میدان آمد،  
 اینها خلق الساعه نبود؛ از سال‌ها پیش، از سال ۴۱  
 تلاش شده بود، کار شده بود، مبارزه شده بود؛ آن  
 کسانی که این تلاش‌ها را در این سال‌های دشوار  
 انجام می‌دادند با تبیین، با توضیح، با تشریح، با  
 تقویت مبانی فکری، با تبیین زمینه‌های مبارزه،  
 کارشان آسان نبود، اینها با مشکلات مواجه بودند؛  
 اینها با حبس مواجه بودند. ! ایستادند، مبارزه  
 کردند؛ نتیجه این مبارزه این شد که در سال ۵۶ و  
 ۵۷ یک جرّقه که زده شد، همه ملّت وارد شدند.  
 اگر چنانچه ایستادگی کردید - همان‌طور که قبلاً  
 هم گفتم - گفتمان‌سازی کردید، ذهن‌ها را آماده  
 کردید، آن‌وقت در هنگام لازم به دردتان می‌خورد.  
 یعنی می‌توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت  
 یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند. وقتی مطالبه  
 کردند، مسئولین ناچارند انجام بدهند. پس  
 ایستادگی لازم است.<sup>۴</sup>

## تشکلهای انقلابی تضمین کننده

### آینده انقلاب

تشکلهای انقلابی با تشکلهایی که نسبت به مسائل انقلابی بی تفاوتند یکسان نیستند؛ تشکل انقلابی را باید تقویت کرد، باید کمک کرد، باید قدر دانست، آینده کشور را اینها می سازند، آینده انقلاب را اینها تضمین می کنند؛ ولی خب! خود تشکلهای وظایفی دارند.<sup>۴</sup>

### هم افزایی تشکلهای انقلابی

تشکلهای انقلابی با هم هم افزا باشند. گاهی شما با هم اختلافاتی دارید؛ تشکلهای انقلابی سر یک چیزهایی با هم اختلاف دارند؛ خب! داشته باشند، درعین حال با این اختلافات هم افزایی داشته باشید، نقاط مشترک را بگیرید؛ یعنی اختلافات موجب نشود که به یقه گیری و به مقابله و این چیزها بینجامد؛ این را به نظر من در محیط دانشگاه سعی کنید جا بیندازید؛ رواداری و تحمل؛ تحمل مخالف که مصداق کاملش هم این است.<sup>۴</sup>

## عدم متهم نمودن افراد

### به انقلابی نبودن

هرکسی را به صرف اینکه با فکر شما به‌طور کامل انطباق ندارد متهم به انقلابی نبودن نکنید. ممکن است کسی صددرصد با فکر شما منطبق نباشد، یک اختلافاتی داشته باشد، پنجاه درصد مثلاً منطبق باشد اما انقلابی باشد؛ انقلابی بودن بالاخره معیارهایی دارد، این معیارها در او ممکن است وجود داشته باشد؛ فوراً آدم‌ها را متهم به ضدانقلاب یا غیر انقلابی نباید کرد. همین‌طور که من روز چهاردهم خرداد در حرم حضرت امام علیه السلام بیان کردم، انقلابی‌گری هم مثل ایمان است و مراتبی دارد؛ مرتبهٔ اوّل، مرتبهٔ دوّم، مرتبهٔ سوّم؛ بله، بعضی از مراتبش بالاتر است و بهتر است، بعضی مراتبش پایین‌تر است اما همه مؤمن‌اند، حساب مؤمن با غیر مؤمن فرق می‌کند، با منافق فرق می‌کند ولو درجاتشان درجات یکسانی نباشد.<sup>۴</sup>

## ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدّد

از جنوب شرق کشور تا شمال غرب کشور، اقوام مختلف، فارس، ترک، گُرد، بلوچ، در جمع امروز ما حضور دارند؛ این معنا دارد؛ معنایش این است که ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدّد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبان‌ها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسّلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قلّه‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه اسلامی اینهاست. آنوقت در یک چنین جامعه‌ای، مردم

خوشبختند، احساس امنیت می‌کنند، احساس آرامش می‌کنند، به سمت اهداف عالیّه خود پیش می‌روند، خدا را عبادت هم می‌کنند، پیشرفت دنیوی هم نصیب آنها می‌شود؛ ملّت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ای است؛ همه این را می‌خواهند؛ شیعه و سنی ندارد، گُرد و بلوچ و فارس و ترک ندارد، همه دنبال این هستند. خب، این می‌شود یک الگو؛ وقتی الگو شد، وقتی نمونه‌سازی شد، آن وقت ملّت‌های دیگر مسلمان هم راه را پیدا می‌کنند.<sup>۸</sup>



## گردهمایی مردمی

### بر محور نماز

مسئله گردهمایی مردمی بر محور نماز و محور ذکر از نظر اسلام است. این مهم است. بنابراین اگر کار اجتماعی هم در اینجا انجام می‌گیرد، مثلاً تصمیم می‌گیرند که یک تعاونی‌ای درست کنند برای فقرا یا در یک امر خیری تعاون کنند، این با توجه به اقامهٔ صلات است، با توجه به ذکر است، برای خداست، بر محور صلات است. اگر بسیج می‌شوند از مسجد برای رفتن در مقابلهٔ دشمن، این به معنای حرکت جهاد فی سبیل الله هست، بر مبنای خداست، بر مبنای ذکر است؛ اگر وظیفه پیدا می‌کنند که امورات شهری را، امورات محله را مثلاً از لحاظ امنیت، از لحاظ کارهای لازم انجام بدهند، باز بر محور ذکر است.<sup>۱۰</sup>

## جوان امروز، جلوتر از

### جوان اوّل انقلاب و دوران جنگ

اینکه بنده بارها تکرار می‌کنم که جوان امروز، از جوان اوّل انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست - و من معتقدم که جلوتر است - به‌خاطر این است که امروز با این‌همه ابزارهای تبلیغی، با این‌همه شگردهای گوناگونِ فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. ما در عرصهٔ فرهنگ، در عرصهٔ سیاست، در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های هنری الی‌ماشاءالله جوان مؤمن داریم؛ البته بله، یک‌عده‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم می‌دانیم، نه اینکه غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز است؛ جوانی که نامه می‌نویسند به بنده - از این نامه‌ها یکی و دوتا و ده‌تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه

بگذریم. نامه می‌نویسند - واقعاً نامه گریه‌آلود است - که ما پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خب می‌خواهند ایمان این جوان را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است.<sup>۱۰</sup>

## مسجد پایگاه فعالیت‌های اجتماعی

مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه اسلامی همه آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت. بنابراین اینجا محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.<sup>۱۰</sup>

## اقتدار ملّی

### پیشرفت برجسته ایران اسلامی

وقتی که ملّت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به عنوان یک ملّت مُسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملّت‌های دیگر هم روانه همین طرف خواهند شد و تشکیل امّت بزرگ اسلامی که مایه عزّت و مایه ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتّفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقّق پیدا خواهد کرد؛ مقدمه‌اش اینجاست؛ مقدمه‌اش این است که ما ملّت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم. خب، همه باید همّت کنند؛ هم مسئولین باید همّت کنند، هم آحاد مردم باید همّت کنند. این قضیه هم قضیه یک‌سال و دو سال نیست، قضیه بلندمدّت است؛ زمان می‌برد؛ کما اینکه در تمدّن اسلامی اگر شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدّن اسلامی در قرن‌های

چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفت‌های امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است. خب، امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود، ما سریع‌تر ان شاء الله به آن نتیجه خواهیم رسید، لکن بالاخره زمان‌بر است.

ما در این ۳۷، ۳۸ سالی که از اوّل انقلاب گذشته است، خوب پیش رفتیم. واقعاً اگر کسی با چشم انصاف نگاه کند، ایران وابسته عقب‌افتاده گمنام ذلیل زیر دست و پای آمریکا و انگلیس، امروز جوری شده است که آمریکا و انگلیس و بقیه می‌آیند صف می‌بندند برای اینکه امکانات موجود جمهوری اسلامی در منطقه را بلکه بتوانند به‌نحوی مصادره کنند، و نمی‌توانند؛ یعنی این جور گسترش پیدا کرده است عزّت اسلامی و عزّت نظام اسلامی و ایران اسلامی که آنهایی که با چشم تحقیر نگاه می‌کردند به ملّت‌ها و از جمله به ملّت

ایران - مثل دوران طاغوت - امروز مجبورند مثل یک هم‌آورد قدرتمند با او مواجه بشوند. این پیشرفت عمومی ملّت است. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم، در مسائل گوناگون مورد نظر اسلام پیشرفت کردیم. از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البتّه تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسّفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه ما کم نیست امّا وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم - حالا شما جوان‌ها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهایی که دیدیم قبل از انقلاب را - پیشرفت ملّت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است.

خب، حالا اگر ما بخواهیم به آن نقطه الگو برسیم، راه چیست؟ آنچه بنده در دو کلمه می‌خواهم عرض بکنم این است که راه، تکیه بر

مقدورات و امکانات داخلی و ظرفیت‌های خود این ملت است. ما خیلی ظرفیت داریم. این ملت ظرفیت‌های استفاده نشده زیاد دارد؛ اینکه ما در سیاست‌های برنامه، رشد هشت درصدی را در نظر گرفتیم و گفتیم باید کشور در طول برنامه به رشد هشت درصدی برسد، به‌خاطر ظرفیت‌های بی‌شماری است که در داخل وجود دارد. اوّل برنامه بعضی می‌گفتند رشد هشت درصدی در زمینه مسائل اقتصادی ممکن نیست؛ بعد خود مسئولین آمدند به ما گفتند نه‌خیر، همین که شما نوشتید درست است؛ رشد هشت درصدی امکان‌پذیر است؛ منتها خب کار لازم دارد، سیاست درست لازم دارد، راهبرد صحیح برنامه‌ریزی‌شده لازم دارد؛ با تنبلی و بیکارگی و اعتماد به دیگران نمی‌شود؛ باید با برنامه‌ریزی پیش رفت. این به‌خاطر ظرفیت کشور است؛ ظرفیت کشور خیلی بالاست. از جمعیت حدود هشتاد میلیون، ما، بیش از سی درصد این جمعیت عمرشان بین ۲۰ سال تا ۳۵ سال است؛ یعنی در عنفوان جوانی هستند؛ جوانی مظهر تحرّک است، مظهر نشاط است. ما این‌همه جوان در کشور داریم؛ در بین این جوان‌ها، میلیون‌ها نفر



تحصیل کرده و باسواد و متخصص و دارای ابتکار وجود دارند. امکانات زیرساختی ما در طول این ۳۷ سال امکانات بسیار فراوانی است؛ ما در زمینه‌های مختلف، زیرساخت‌های فوق‌العاده مؤثر و کارآمدی را در کشور به وجود آورده‌ایم - ما که عرض می‌کنم یعنی مسئولین کشور به وجود آوردند؛ بنده که کاره‌ای نیستم - همه چیز آماده است برای حرکت کردن، پیشرفت کردن.

خب، این پیشرفت هم بحمدالله انجام گرفته. شما مقایسه کنید سی سال بعد از انقلاب اسلامی را با سی سال بعضی از کشورهایی که نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ سی سال در زیر نفوذ آمریکا زندگی کردند، حتی از آمریکا پول نقد هم گرفتند یعنی سالانه فلان مقدار - چند صد میلیون یا چند میلیارد دلار - از آمریکا پول هم می‌گرفتند؛ نتیجه چه شد؟ بعد از سی سال آمار دادند، معلوم شد که در شهر پایتختشان دو میلیون آدم بی‌خانمان قبرستان‌نشین وجود دارد. نتیجه نفوذ آمریکا بر یک کشور و تسلط آمریکا بر یک کشور، این است. خب، بنابراین آنچه مهم است، تکیه به ظرفیت داخلی است.<sup>۸</sup>

## حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

راه پیشرفت ایران اسلامی،

### احیاء روحیه انقلابی

ما هر جا به انقلاب تکیه کردیم، به روحیه انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا از ارزش‌ها کوتاه آمدیم، انقلاب را ندیده گرفتیم، از این گوشه‌اش زدیم، از آن گوشه‌اش زدیم، تأویل و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظامند، مدام حرف را جویدیم، حرف را خوردیم، عقب ماندیم؛ قضیه این جوری است. راه پیشرفت ایران اسلامی، احیاء روحیه انقلابی و احیاء روحیه مجاهدت است.<sup>۳</sup>

## ایستادگی و استقامت ملت ایران

ملت ایران ایستاده است؛ ملت ایران در این ۳۷ سال نشان داده است که ایستاده است. این یک، و نشان داده است که راه پیشرفت هم ایستادگی است. اگر ملت ایران تسلیم می‌شد، ضعف نشان می‌داد، در مقابل قدرت‌طلب‌های عالم و متکبرین عالم گُرنش می‌کرد، این پیشرفت‌ها هم نصیبش نمی‌شد؛ راه پیشرفت ایستادگی و استقامت است، تقویت ساخت داخلی است، تقویت عزم و اراده ملی است و تقویت ارتباط با خدا.<sup>۵</sup>

## آزاد اندیشی و استفاده از نظرات مختلف

### توجه اسلام به عقلانیت

عقلای دو جناح بنشینند با همدیگر حرف  
 بزنند؛ عقل‌گرایی. خب! ما خیلی موافق‌ایم با  
 عقل‌گرایی. قرآن هم راجع به عقل خیلی حرف  
 زده، اسلام راجع به عقل خیلی توصیه کرده، امام  
 بزرگوار یکی از بزرگ‌ترین عقلای عالم بود؛ اهل  
 عقل بود، اهل تعقل بود، انقلاب هم انقلاب  
 عقلانی بود با مبانی محکم؛ بنابراین ما موافق‌ایم.  
 منتها باید دید عقل چه اقتضاء می‌کند. این کسانی  
 که امروز طرف‌دار گرایش به غربند، به نظر من  
 عقل‌شان را باخت‌اند، تعقل نمی‌کنند. اینهایی که  
 می‌گویند برای پیشرفت کشور باید به غرب تکیه  
 بکنیم و به غرب پناه ببریم و با آن‌ها رفاقت‌مان را  
 تشدید بکنیم، به نظر من عاقلانه حرف نمی‌زنند.  
 خب! غرب به ما تجربه‌هایی داده. اولین کاری که  
 عقل می‌کند این است که باید از تجربه‌ها استفاده  
 کند. رضاخان را غربی‌ها بر ما تحمیل کردند،  
 بیست سال آن استبداد و دیکتاتوری عجیب و غریب

و بی‌نظیر؛ بعد غربی‌ها محمدرضا شاه را بر این کشور تحمیل کردند، مردم که نقشی نداشتند، غربی‌ها نشستند و گفتند ایشان به جای پدرش باشد؛ بعد غربی‌ها به او کمک کردند تا بتواند یک حکومت ملی را سرنگون کند، غربی‌ها خودشان مستقیماً در بیست‌و‌هشتم مرداد حکومت مصدق را - که یک حکومت ملی بود، کاری به اعتقادات مصدق ندارم، بالاخره حکومت ملی بود - سرنگون کردند؛ غربی‌ها در این کشور ساواک را راه انداختند به‌عنوان وسیله‌ای برای سرکوب عجیب‌و‌غریب هر فکر مخالف! من یک‌وقتی گفتم؛ (بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹) یک نفر با من هم‌زندان بود در قزل‌قلعه، جرمش این بود که در تقویم بغلی‌اش یک شعر خیلی چرند - یعنی واقعاً از لحاظ شعری سطح پایین - نوشته بود؛ شعرش این بود:

مه برگوید از برنا و پیر

لعنة الله رضا شاه کبیر

این را به شش ماه زندان محکوم کردند! برای خاطر همین شعر غلطِ چرند؛ از این قبیل الی ماشاءالله. اصلاً داشتن یک اطلاعیه‌ای که علیه خواسته‌های دستگاه بود، برای ما قابل تصوّر نبود. همان اوقات یک نفر از دوستان ما از پاکستان آمده بود مشهد، می‌گفت که بله، نشسته بودیم فلان اطلاعیه را در پارک می‌خواندیم. بنده با تعجب گفتم در پارک! اطلاعیه را انسان در پارک می‌تواند بخواند؟ اصلاً برای ما قابل تصوّر نبود که بشود آدم در پارک بنشیند یک اطلاعیه را مطالعه کند؛ اختناق این‌جوری بود. خب! این را غربی‌ها به وجود آوردند. این‌همه اعدام، این‌همه کشتار، این‌همه سخت‌گیری، این‌همه تبعید، این‌همه زندان؛ این تا انقلاب. از انقلاب به این طرف هم که خب! دیده‌اید دیگر، معلوم است: اوّلین تحریم‌ها، اوّلین حمله‌ها، اوّلین خیانت‌ها، اوّلین جاسوسی‌ها، اوّلین نفوذهای امنیتی، اوّلین تهاجمات وسیع و همه‌جانبه تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی از طرف غربی‌ها شد دیگر؛ از طرف

آمریکا و از طرف اروپا؛ و بعد همین‌طور جلو  
بیایید: قبل از جنگ تحمیلی، کمک به گروهک‌های  
چپ؛ گروهک‌ها چپ بودند، اما حامی‌شان  
آمریکای راست بود! در جنگ تحمیلی، کمک به  
صدام، کمک موشکی، کمک بیولوژیکی - به اصطلاح  
کمک بمب‌های شیمیایی - این‌جوری کمک کردند به  
صدام؛ نقشه نظامی به او دادند و همه‌جور کمک  
کردند؛ به خاطر این جنگ هم هشت سال طول کشید!  
هشت سال شوخی نیست. بعد از جنگ هم آن  
کارهایی که کردند: اسقاط هواپیماست؛ نزدیک  
سیصد نفر را در یک هواپیمای مسافری زدند؛ آن مرد  
بی‌شرم که رئیس‌جمهور آمریکا بود، آمد گفت من از  
ایران عذرخواهی نمی‌کنم؛ خب! به درک؛ عذرخواهی  
نکن! عذرخواهی هم حتی نکردند؛ اینها چه کسانی  
هستند؟ تجربه به ما چه می‌گوید؟ بعد قضایای مختلف  
تا امروز؛ تا قضیه برجام. خب! همین کشور فرانسه  
نبود که وزیر خارجه‌اش با آن وقاحت وارد میدان شد  
و به قول آن روز، نقش پلیس بد را بازی کرد؛  
سخت‌گیری‌ها و فشارها و بهانه‌گیری‌های جدید؟  
آمریکایی‌ها هم که یک‌جور دیگر.<sup>۴</sup>

## حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

### حضور فعال دانشجویان

#### در خودکفایی و سازندگی

جماعت دانشجو در کشور، در دوران انقلاب خیلی سوابق خوب و درخشانی از خود به ثبت رسانده؛ از اوّل انقلاب این جور است. البته قبل از انقلاب هم در مبارزات، دانشجویان حضور فعّالی داشتند لکن آنچه بروز پیدا کرد و عاملی شد در جهت پیشرفت انقلاب، به طور واضح فعّالیت‌های دانشجویی بعد از انقلاب بود که یکی از اینها مثلاً فرض کنید تشکیل جهاد سازندگی بود؛ جهاد سازندگی کار بزرگی بود، اوّلین شکوفه‌های خودکفائی و سازندگی و ابتکار ملّی و اعتمادبه‌نفس ملّی در جهاد سازندگی شکل گرفت و منعقد شد. خیلی کار کردند. در جهاد سازندگی اینها شریک بودند، در جهاد دانشگاهی اینها شرکت داشتند، در پیراستن دانشگاه از عناصر ضدّ انقلاب مسلّح در اوّل انقلاب، دانشجویهای مؤمن ما نقش داشتند. همین دانشگاه تهران که ملاحظه



می‌کنید، این ساختمان‌های مختلفش، دانشکده‌های مختلفش شده بود اتاق جنگِ گروه‌های مختلف، با اسم‌های مختلف با نظام می‌جنگیدند؛ گروه‌های چپ مارکسیستی دو سه نوعش؛ گروه منافقین، و گروه‌های گوناگون مختلفی در این دانشگاه بودند، مسلح هم بودند؛ پادگان‌ها غارت شده بود، دست اینها سلاح بود، آماده بودند برای اینکه یک شورش علیه انقلاب راه بیندازند؛ دانشجویهای مسلمان، دانشجویهای مؤمن و انقلابی با اینها مواجه شدند، معارضه کردند، شرّ اینها را کم کردند؛ یعنی یکی از کارهای بزرگ دانشجویها این بود. عضویت در سپاه پاسداران؛ خیلی از این شخصیت‌های برجسته سپاه و این شهدای بزرگ، دانشجوی بودند؛ الان هم همین جور است، اینهایی از سابقین سپاه که الان هم هستند، خیلی‌هایشان دانشجوی بودند، از دانشجویی آمدند سپاه. در نهضت سوادآموزی دانشجویها نقش داشتند، در اقدام به‌هنگام تصرف لانه جاسوسی در سال ۵۸ اینها نقش داشتند؛ یعنی نقش دانشجویان در اوّل

انقلاب نقش برجسته‌ای بود؛ درحالی که دانشجویان آنروز کشور از لحاظ تعداد و کمیت، با دانشجوی امروز قابل مقایسه نبودند، ما آنروز حدود دویست و خرده‌ای هزار در کل کشور دانشجوی داشتیم، امروز حدود نزدیک به پنج میلیون داریم؛ یعنی جمعیت کشور شده حدوداً دو برابر، اما جمعیت دانشجوی در کشور شده حدوداً بیست و یکی دو برابر؛ از لحاظ کیفیت هم مثل شماها نبودند، بله پُرشور بودند، انقلابی بودند، انگیزه داشتند اما عمق انقلابی‌شان و عمق تفکر اسلامی‌شان مثل دانشجوی امروز نبود؛ یعنی این حرف‌هایی که امروز این برادرها اینجا زدند، اینها خیلی سطحش بالاتر است از آنچه آنروز دانشجوی زُبده و نخبه انقلابی برزبان می‌آورد. ما اینجا یک جلسه‌ای داشتیم، چندین جلسه پشت سر هم با تعدادی دانشجوی در دانشگاه امیرکبیر فعلی - که آنروز اسمش پُلی تکنیک بود - و بحث درباره این بود که آیا خطّ امام یک واقعیتی است و اصلاً چیزی است که وجود دارد یا نه؟

نمی توانستند منظومه فکری امام را درک کنند و تحمّل کنند؛ بنده هم جزو مدعوین آن جلسه بودم، بنی صدر هم جزو شان بود، بعضی های دیگر هم بودند، سه چهار نفر هم دانشجو بودند؛ بحث در این بود که اصلاً آیا یک منظومه فکری ای بر حرف های امام حاکم هست یا نه؟ یعنی یک چیز به این واضحی را نمی توانستند درک کنند؛ امروز برای شما این مسئله جزو واضحات است. کیفیت دانشجوی انقلابی امروز نسبت به کیفیت دانشجوی انقلابی آن روز خیلی بالاتر است.

خب!، با اینکه هم از لحاظ کمّیت و هم از لحاظ کیفیت با امروز خیلی تفاوت داشتند، کارهای بزرگی انجام دادند؛ علّتش هم پُرکاری بود، ایمان پُرشور انقلابی بود، خسته نشدن بود، شب و روز کار کردن بود؛ با این وضعیت آن تعداد معدود دانشجو در آن روز توانستند این همه کارهای بزرگ را انجام بدهند. البتّه کم تجربه هم بودند؛ تجربیاتی را که امروز شما دارید آن ها نداشتند؛ درعین حال کار زیادی انجام دادند.

اگر ما بخواهیم این را معیار یک مقایسه قرار بدهیم، باید به این نتیجه برسیم که شما بیست برابر یا سی برابر آن‌ها می‌توانید کار انجام بدهید؛ در صورتی که هم آن پُرکاری را، هم آن پیگیری را، هم آن احساس انگیزه را در خودتان حفظ کنید و پیش بروید. یعنی جماعت دانشجوی کشور یک ثروت است - یک ثروت بی‌نظیری است - برای کشور؛ البته بنده می‌دانم از این پنج میلیون دانشجو، آن کسانی که این انگیزه‌ها را دارند، آن‌چنان تعداد زیادی نیستند؛ مجموعاً ذیلِ تشکّل‌های انقلابی یا مقداری هم بیرون تشکّل‌های انقلابی هستند؛ لکن در عین حال باز عددشان چندین برابر آن تعدادی است که آن روز در میدان کار و عمل بودند؛ خیلی کارها می‌توانند انجام بدهند. بعضی دانشجوها هم هستند که بی‌تفاوتند، خنثی‌اند؛ بعضی دانشجوها هم هستند که اصلاً با این روش مخالفند و قبول هم ندارند پیگیری کارهای انقلابی را؛ اما آن تعدادی که معتقد به کار انقلابی و راه انقلابی و ایمان انقلابی هستند، تعدادشان خیلی زیاد است؛ هم پُر شمارند، هم با کیفیت. شما خیلی کار می‌توانید انجام بدهید در کشور.<sup>۴</sup>

## حضور جسمی و فیزیکی

### دانشجو در اجتماعات

تحلیلتان را مردم بدانند، منعکس کنید. همین  
نشریات دانشجویی چیز خوبی است؛ یعنی واقعاً  
تحلیل‌های دانشجویی تحلیل‌هایی باشد که مردم  
مطلع بشوند. خب! یکی از کارهای آسان به نظر  
من این است که در سخنرانی‌های قبل از  
خطبه‌های نمازجمعه یک برنامه‌ریزی بکنند،  
دانشجو‌هایی که اهل حرف زدن هستند، از طرف  
جمع پشتیبانی بشوند، کمک بشوند، متنهای خوبی  
تهیه کنند، بروند در نماز جمعه بخوانند. مثلاً قبل  
از خطبه‌های نمازجمعه - که حالا مسئولین  
می‌روند و صحبت می‌کنند - یک فصلی هم برای  
دانشجو‌ها گذاشته بشود. فرض کنید نماز جمعه  
یک شهری مثل تهران، مثل اصفهان، مثل مشهد،  
مثل تبریز، جای کوچکی نیست؛ یک دانشجو برود  
آنجا حرف بزند، یک عالم مطلب بیان می‌کند؛ اینها  
چیزهای باارزشی است؛ یا مثلاً فرض کنید  
نمازجمعه تهران. دشمن هم بداند تحلیل شما را؛

یعنی وقتی که شما تحلیل کردید حادثه را، موضع‌گیری کردید، اعلام موضع کردید، دشمن هم مطلع بشود؛ و مطلع می‌شود، او زودتر از بعضی از دوستان مطلع می‌شود. (خنده حضار) منطقی و مستدل هم باشد؛ این حضور فکری است.

حضور جسمی - یا به قول شماها حضور فیزیکی - هم گاهی لازم است؛ اجتماعات لازم است، اجتماعات هیچ اشکالی ندارد، البته قانونی باشد. حالا یک وقت قانون یک جا ممکن است یک سخت‌گیری‌ای بکند، یک اشکالی داشته باشد، ایرادی ندارد؛ حالا بالاخره همیشه که همه چیز برطبق مراد انسان نیست؛ اجتماعات شما خوب است، اجتماع داشته باشید در مسائل مهم و به شیوه درست. اینکه مثلاً فرض کنید علیه برجام بروند جلوی مجلس شورای اسلامی اجتماع کنند، من فکر نمی‌کنم یک منطقی پشت سر این باشد؛ خب!، حالا مگر نمایندگان مجلس چقدر فرصت دارند؟ اجتماع درست این است که شما یک سالی اجازه کنید یا در اختیار بگیرید، پانصد نفر، هزار

نفر، دو هزار نفر، ده هزار نفر دانشجو آنجا جمع بشوند، دو نفر سه نفر با مطالعه قبلی بروند آنجا به طور استدلالی حرف بزنند؛ این مهم است. این حرف، هم به گوش نماینده مجلس می‌رسد، هم به گوش نماینده دولت می‌رسد، هم به گوش نماینده رهبری می‌رسد؛ این جور اجتماعی مهم است. یا در قضایایی که گاهی بعضی از مجموعه‌های دانشجویی می‌خواهند خط‌شکنی کنند، اگرچنانچه فرض بفرمایید یک عده‌ای می‌خواهند از خطّ قرمزهای نظام عبور کنند و خیلی هم افتخار می‌کنند و می‌خواهند شجاعت به خرج بدهند، جلادت (دلیری) به خرج بدهند و از خطّ قرمزهای نظام عبور کنند، خیلی خب! اینجا اجتماع جسمانی بسیار خوب است؛ البته نه به معنای اینکه بروید مجلس آن‌ها را به هم بزنید. بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم، ده بار دیگر هم می‌گویم؛ من با به هم زدن مجلس مخالفم؛ هر مجلسی که می‌خواهد باشد. به هم زدن مجلس یک کاری است بی‌فایده و احیاناً مضر؛ اقلّش این

است که بی‌فایده است، اکثرش این است که مضرّ است. چه لزومی دارد؟ خیلی خب!، آن‌ها آنجا جلسه تشکیل داده‌اند و علیه فلان مبنای انقلابی دارند بحث می‌کنند؛ بسیار خوب، شما همان‌جا اعلام بکنید که فردا یا پس‌فردا ما در اینجا - آن‌ها آنجا، شما اینجا یا در همان سالن - جلسه تشکیل می‌دهیم و دربارهٔ این موضوع بحث خواهیم کرد. دعوت کنید، دانشجویان را جمع کنید، بحث کنید، پنبهٔ آن حرف را بزنید، تمامش کنید؛ این خوب است. مخاطبینی پیدا می‌کنید، کسانی هستند، دانشجویان بالاخره دنبال فهمیدن حقیقت است. بنابراین اجتماعات فیزیکی خیلی خوب است، اشکالی هم ندارد منتها طبق مقرّرات و همین‌طوری که گفته شد با پیش‌بینی درست. مسئولان دانشگاه‌ها هم باید کمک کنند. این را من الان به آقای دکتر فرهادی هم گفتم، قبلاً هم به آقای دکتر هاشمی گفتم، حالا به معاون آقای دکتر فرهادی هم که آمده بودند گفتم. وظیفهٔ مسئولین دانشگاه این است که از مجموعه‌های انقلابی و متدین



حمایت کنند. یعنی کسانی که با انقلاب موافقند و در راه انقلاب حاضرند فداکاری کنند، با کسی که نسبت به انقلاب بی تفاوت است یا احیاناً مخالف انقلاب است یکسان نیستند. شما به عنوان وزیر، به عنوان مسئول، به عنوان نماینده جمهوری اسلامی می توانید با اینها به یک چشم نگاه کنید؟ در مورد حقوق عمومی بله، حقوق عمومی شامل همه است؛ اما نمی شود شما نماینده نظام اسلامی باشید و از آن کسی که دفاع از اسلام انقلابی می کند حمایت نکنید، ولی از آن کسی که حمله به نظام اسلامی می کند یا لاقط نسبت به آن بی تفاوت است حمایت نکنید! نه، این قابل قبول نیست. مسئولین از مجموعه های انقلابی باید حمایت بکنند و این حضور را باید تسهیل کنند. پس یکی از وظایف شد حضور؛ حضور فکری و حضور جسمی.

سطح آگاهی سیاسی و دینی خودتان را افزایش بدهید. نگویید ما همه چیز را بلدیم، به همه چیز مسلط ایم؛ نه، گاهی سطح آگاهی های سیاسی کم

است، گاهی سطح آگاهی‌های دینی کم است. امروز امکانات فراوان است برای این معنا؛ هم در مورد سیاست، هم در مورد دین.<sup>۴</sup>

# تدابیر دفاعی و رزمی

- جنگ نرم و عملیات روانی
- روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

## جنگ نرم و عملیات روانی

ایمان به خدا عامل برتری

در جنگ نامتقارن

معنای جنگ نامتقارن این است که یکی از نیروهای دو طرف از امکاناتی برخوردارند که آن طرف مقابل دستش از آن امکانات کوتاه است؛ نوع‌شان، شیوه‌شان، امکانات‌شان، حتی گاهی منابع قدرت در هر طرفی برای طرف مقابل ناشناخته است؛ این جنگ نامتقارن است. آن‌ها نمی‌دانند چه قدرتی در ایمان به خدا و در اعتقاد به جهاد وجود

دارد؛ آثارش را می‌بینند، درست نمی‌توانند تحلیل کنند؛ لذا به اقدامات دیوانه‌وار دست می‌زنند. این قضیه داعش و این قضیه تروریست‌های تکفیری و مانند این‌ها، همه از این قبیل است. این‌ها را در واقع درست کرده‌اند برای اینکه جمهوری اسلامی را شکست بدهند؛ عراق مقدمه بود، شام مقدمه بود؛ مقدمه این بود که بتوانند این‌جا را تحت تأثیر قرار بدهند؛ قدرت این‌جا موجب شد که این‌ها در آن‌جا هم زمین‌گیر شدند؛ وَاَلَا آن‌ها هدفشان این بود. این کسی که از این‌جا بلند می‌شود، می‌رود در عراق یا در سوریه به عنوان دفاع از حریم اهل بیت در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد، درواقع دارد از شهرهای خودش دفاع می‌کند. البته نیت آن‌ها خداست، اما واقع قضیه این است؛ این دفاع از ایران است، دفاع از جامعه اسلامی است. مخصوص شیعه هم نیست؛ آن تکفیری‌ها شیعه و سنی نمی‌شناسند؛ سنی را هم می‌زنند. ما در داخل کشور خودمان چقدر از علمای اهل سنت داریم. مرحوم شیخ الاسلام (ماموستا محمد شیخ الاسلام (عضو مجلس

خبرگان رهبری) که در مقابل مسجد سید محمد قطب کردستان ترور شد.) در سنج، مرحوم حسین بُر(مولوی فیض محمد حسین بُر (از علمای برجستهٔ سیستان و بلوچستان) که در سال ۱۳۶۰ در منزلش ترور شد.) در بلوچستان و علمای دیگری - که همین تکفیری‌ها این‌ها را ترور کردند و خون‌شان را مظلومانه بر زمین ریختند. آن‌ها سنی و شیعه نمی‌شناسند؛ آن‌ها هر کسی را که با انقلاب است، هر کسی را که در مقابل استکبار است، هر کسی را که با آمریکا دشمن است می‌زنند؛ اسمش را هم می‌گذارند جنگ شیعه و سنی.<sup>۳</sup>

## روحیه شکیبایی ، ایثار و شهادت طلبی

### شگفتی‌های تاریخ‌ساز

#### شهادای مدافع حرم

امروز مسئله شهادای دفاع از حریم اهل‌بیت مطرح است؛ این از آن ماجراهای عجیب تاریخ است. ما در دوران جنگ جوان‌ها را تشویق می‌کردیم به این‌که بروید به میدان جنگ، اجابت می‌کردند و می‌رفتند؛ امام یک سخنرانی می‌کردند، خیل جوان‌ها راه می‌افتادند می‌رفتند اما امروز ما چنین تشویقی نمی‌کنیم، درعین‌حال این انگیزه چقدر قوی است، این ایمان چقدر شفاف است که این جوان از ایران، از افغانستان، از کشورهای دیگر راه می‌افتد، بلند می‌شود از همسر جوان‌ش، از کودک خردسالش، از زندگی راحتش می‌گذرد، می‌رود در یک کشور غریب، در یک خاک غریب، در راه خدا مجاهدت می‌کند و به شهادت می‌رسد. این چیز کوچکی است؟ قدم‌به‌قدم تاریخ انقلاب اسلامی از این شگفتی‌های تاریخ‌ساز به خود دیده است؛ این‌ها شگفتی است.

و من عرض کنم این سه جنبه دارد: یک جنبه، جنبه صبر خود این شهید و انگیزه و ایمان این شهید است؛ یک جنبه، جنبه صبر خانواده‌ها و تحمل آن‌هاست؛ چون این زن جوان می‌توانست کاری کند که شوهرش نرود؛ این پدر و مادر می‌توانستند مانع رفتن جوان‌شان بشوند؛ این‌ها صبر کردند؛ هم برای رفتن او، هم هنگام برگشتن جنازه مطهر او، و هم بعد از او. و جنبه سوم خود حادثه است که تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی است؛ انقلاب این است، نظام اسلامی این است. این انگیزه‌ها، این ایمان‌ها، این قدرت‌های روحی، این عزم و اراده‌هاست که جمهوری اسلامی را به وجود آورده؛ می‌شود دست‌کم گرفت جمهوری اسلامی را؟ دشمن‌ها چه خیال می‌کنند درباره نظام جمهوری اسلامی؟ یک پیکره عظیمی، همه اقتدار، همه توانمندی؛ جمهوری اسلامی را این چیزها تشکیل داده.<sup>۳</sup>



## فضیلت و رتبه خدای متعال

### برای مجاهدین

مجاهدت، میدان‌های فراوانی دارد؛ البتّه همه میدان‌های مجاهدت هم خطر دارد. شهدای هسته‌ای را ببینید! در میدان علم کار کردند اما مورد تعرّض دشمن قرار گرفتند؛ این جهاد است. فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ (نساء، بخشی از آیه ۹۵؛ ...) ولی مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است. خب!، این که خدای متعال برای مجاهدین فضیلت قائل شده است، برای مجاهدت رتبه قائل شده است، برای همین است. ما مگر چقدر در این دنیا عمر می‌کنیم؟ میلیارد‌ها سال قبل و بعد ما این دنیا عمر دارد، از این میلیارد‌ها سال، پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سالش نصیب من و شماست؛ در این مدّت باید از فرصت استفاده کنیم، خودمان را برای زندگی واقعی‌ای که «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت، بخشی از آیه ۶۴؛ ...) و زندگی حقیقی همانا در سرای آخرت است...) است، آماده کنیم. در این فاصله، بعضی‌ها مجاهدت می‌کنند و این مجاهدت، آن‌ها

را به مقامات عالی می‌رساند؛ نه فقط آخرت خودشان را درست می‌کنند، دنیای دیگران را هم می‌سازند و تقویت می‌کنند و به وجود می‌آورند. آن وقت این مال مجاهدت است؛ مال شهدا: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا»، اینها مرده نیستند، «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» \* «فَرَحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (آل عمران، آیات ۱۶۹ و ۱۷۰)؛ (هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، کشته مپندار! بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند). قضیه این جوری است؛ این کلام خداست، مژده خداست که می‌گوید این‌ها زنده‌اند، پیش خدایند، مورد لطف الهی‌اند، مورد رزق الهی‌اند، خرسندند، خوشحالند؛ به من و شما هم پیغام می‌دهند و می‌گویند که بدانید اگر از این راه بیاوید، در این سرمنزله غم هست، نه نگرانی؛ نه ترس هست، و نه حزن؛ «إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ»؛ راه این است. راه را درست رفتند، صحیح رفتند، درست حرکت کردند.

البته شما خانواده‌ها رنج کشیدید، غصّه خوردید؛ حق هم دارید؛ از دست دادن جوان تان - چه جوان، همسر تان باشد، چه فرزند تان باشد، چه داماد تان باشد، چه برادرتان باشد - خیلی سخت است. برای بازماندگان، خیلی سخت است، خیلی دشوار است اما بدانید آن‌ها خیلی خوش‌اند؛ آن‌ها در زیر سایه نعمت الهی دارند زندگی می‌کنند.<sup>۳</sup>

## حضور نیروهای مردمی

### در عرصه دفاع و شهادت

هزاران شهید در اوضاع مختلف، از شهرهای گوناگون، با سطوح مختلف، از نوجوان چهارده پانزده ساله گرفته، تا پیر شصت هفتاد ساله، رفتند در این میدان، جنگ را مردمی کردند، جنگ را از انحصار نیروهای رسمی درآوردند. هرکاری که مردم پشت سر نیروهای رسمی و همراه با آنها حضور پیدا کنند و با انگیزه کارکنند پیش می‌رود؛ امروز هم توصیه ما به مسئولان دولتی در همه زمینه‌ها - زمینه اقتصاد و بقیه چیزها - همین است. در جنگ این اتفاق افتاد؛ مردم رفتند و خودشان را در معرض این امتحان عجیب قرار دادند؛ شوخی نیست؛ ما از جنگ یک چیزی می‌شنویم؛ بخوانید این کتاب‌هایی را که جزئیات این عملیات‌ها را ذکر کردند؛ از سطوح بالا، قرارگاه‌های اصلی میدان جنگ بگیرید که مال ارتش و سپاه بود تا رده‌های پایین، تا رده گردان و گروهان و دسته؛ شرح حال این جوان‌ها، یک‌یک این‌ها برای ما درس‌آموز

است. هر یکی از این جوان هایی که به شهادت رسیدند، رفتارشان، گفتارشان، حرکتشان، یک دریچه‌ای به سوی یک دنیای معرفتی است؛ انسان را بیدار می‌کند، آگاه می‌کند.<sup>۳</sup>

## عدم تقیه در دفاع

### از نظام اسلامی

در دفاع از نظام اسلامی هیچ تقیه نکنید و صریح باشید؛ نظام اسلامی مایه افتخار است. بله، در دنیا و در داخل، کسانی هستند که بخواهند نظام اسلامی را کم‌قدر جلوه بدهند - هستند کسانی از این قبیل اما اینها اشتباه می‌کنند و راه غلطی را دارند می‌روند؛ بعضی‌ها عمداً، بعضی‌ها هم از روی ناآگاهی. نظام اسلامی مایه شرف است، مایه افتخار است؛ دشمن شما نقص‌ها را می‌بیند و با تکیه بر آن نقص‌ها و قصورها و کمبودها مدام می‌خواهد بزند توی سر انقلاب؛ در قبال آن نقص‌ها و کمبودها، چندین برابر پیشرفت هست، موفقیت هست. مهم‌ترین موفقیت این است که امروز ۳۷ سال، ۳۸ سال است که یک جبهه عظیم قدرت مادی - از شرقی تا غربی و انواع و اقسامش - سعی کرده‌اند این انقلاب را و این ملت را و این نظام را به زانو دریاورند و نتوانسته‌اند؛ مگر این شوخی است؟ یک آخم به فلان پادشاهی پرمدعا

می‌کنند، همه‌شان به خودشان می‌لرزند و سعی می‌کنند دل طرف را به دست بیاورند؛ می‌روند، می‌نشینند، صحبت می‌کنند، می‌بندند، رشوه می‌دهند. ۳۷ سال است دارند علیه انقلاب اسلامی کار می‌کنند: کار نظامی کردند، کار امنیتی کردند، کار جاسوسی کردند، کار فرهنگی کردند؛ هزار کار کردند، اما جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر شده. آقا جان! امروز جمعیت شما و کیفیت شما - مجموعه‌ای که طرفدار انقلاب‌اید - از اوّل انقلاب به مراتب بیشتر است؛ قبلاً شرح دادم این را. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که انقلاب یک موجود زنده است و دارد روزبه‌روز رشد می‌کند؛ این افتخار‌آمیز نیست؟

البته اینکه می‌گویم از نظام دفاع بکنید، بعضی‌ها عادت کرده‌اند نظام را به معنای رهبری می‌گیرند؛ مثلاً در فلان قضیه، ضدّ نظام حرف زد، یعنی ضدّ رهبری، یا از طرف نظام دارد حمایت می‌شود، یعنی از طرف رهبری؛ بنده مقصودم این نیست. رهبری، بخشی از نظام است؛ مراد من از دفاع از

نظام به هیچ وجه دفاع از رهبری نیست؛ دفاع از مجموعه نظام است که مجموعه ارزش‌های درهم‌تنیده‌ای است که بحمدالله این‌جور استوار مانده. این را بدانید جوان‌های عزیز! بنیه این انقلاب خیلی قوی است؛ قدرت رویش و استعداد رویش او خیلی بالاست؛ نیرو می‌خواهد، کمک می‌خواهد، توان می‌خواهد، الحمدلله دارد. البته مشکلات هم هست؛ چه مشکلات داخلی، چه مشکلات خارجی. نمی‌شود این را بدون مشکلات فرض کرد؛ همه حوادث اصلاحی عالم، بالاخره یک مشکلاتی در پیش روی خودشان داشته‌اند؛ جمهوری اسلامی هم دارد، انقلاب اسلامی هم دارد.<sup>۴</sup>



# تدابیر اقتصادی و مالی

• جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

• الگوی اقتصادی کارآمد

• توزیع عادلانه ثروت

• جهاد اقتصادی

## جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

### حل مشکل معیشت مردم

بنده به مسائل معیشت مردم خیلی فکر می‌کنم، خیلی دغدغه‌مندم نسبت به مسئله معیشت مردم اما هرچه فکر می‌کنم، هرچه با کارشناس‌ها و آدم‌های وارد و مطلع مشورت می‌کنم، می‌بینم جز این راهی وجود ندارد که ما قاطعاً تکیه کنیم به مسائل داخلی. اینکه تجار خارجی بیایند و بروند و هیچ آبی هم از اینها گرم نشود - که تا حالا هم نشده -

چه فایده دارد؟ الان حدود یک سال است مدام می آیند و می روند؛ کاری هم نکرده اند. اگر هم بخواهند کاری کنند، تصرف بازار ایران است که درست به ضرر ما است. فایده آمد و رفت این هیئت ها باید سرمایه گذاری باشد، باید ایجاد تولید باشد، باید در جاهایی که احتیاج داریم به فناوری جدید، آوردن فناوری جدید باشد؛ اینها باید باشد؛ اینها نیست یا کم است. این چیزها را بایستی مسئولین محترم رعایت کنند، دنبال کنند. اینکه ما گفتیم اقدام و عمل، البته حالا مشغول اند، باید ان شاء الله نتیجه کار محسوس بشود، ملموس بشود که مردم حس کنند، لمس کنند؛ راه این است.<sup>۸</sup>

## الگوی اقتصادی کار آمد

### ظرفیت‌های ابتکاری کشور

#### برای پیشرفت

کشور ظرفیت‌های زیادی دارد، ظرفیت ابتکار زیادی دارد، این کشور هشتاد میلیونی - که البته جمعیت آن می‌تواند به ۱۵۰ میلیون هم برسد و ان شاء الله مسئولین همان‌طور که بارها تکرار کرده‌ایم، کمک کنند که این تکثیر جمعیت جوان که امروز خوشبختانه وجود دارد از بین نرود؛ نسل را متوقف نکنند؛ جمعیت کشور را بتدریج در طول سال‌ها به پیری منتهی نکنند- این جمعیت، این کشور، با این ظرفیت، با این امکانات چهارفصلی که کشور ما دارد، می‌تواند از لحاظ مادی پیشرفت کند، مشکلات معیشت مردم برطرف بشود.<sup>۸</sup>

## توزیع عادلانه ثروت

### حقوق‌های نامشروع ، خیانت

#### به آرمان‌های انقلاب

یک مطلب هم دربارهٔ مسائل داخلی کشور، موضوع این حقوق‌ها و برداشت‌های غیرمنصفانه و ظالمانه از بیت‌المال است - که امروز در بین مردم رایج شده است که خبرش را دهان‌به‌دهان نقل می‌کنند - این برداشت‌ها نامشروع است، این برداشت‌ها گناه است، این برداشت‌ها خیانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی است. قطعاً در گذشته کوتاهی‌هایی شده است، غفلت‌هایی شده است، بایستی جبران بشود؛ این جور نباشد که ما سروصدا بکنیم و بعد قضایا را تمام بکنیم و به‌کلی به دست فراموشی بسپاریم؛ باید دنبال بشود. خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم و رؤسای محترم دو قوهٔ دیگر، متعهد شده‌اند که این مسئله را دنبال کنند؛ باید با جدیت دنبال بشود؛ دریافت‌های نامشروع باید برگردانده بشود، و اگر کسانی بی‌قانونی کرده‌اند مجازات بشوند، و اگر سوءاستفاده از

قانون هم شده است بایستی این‌ها را از این کارها برکنار بکنند؛ این‌ها کسانی نیستند که لیاقت این را داشته باشند که در این مراکز قرار بگیرند.

البته این را هم توجه داشته باشید، دشمنان نظام اسلامی می‌خواهند از این قضیه یک مستمسکی علیه نظام اسلامی درست بکنند. این‌ها یک عده‌ای هستند که در قبال مجموعه مدیران و کارکنان دستگاه‌های مسئول که با پاکی و صداقت دارند کار می‌کنند عده زیادی نیستند، اما همین کمشان هم مضر است، همین کمشان هم عیب است؛ این عیب را بایستی برطرف کرد. ما آسیب‌های ناشی از فقر را شناخته‌ایم، روی آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم، درباره آن‌ها جلسه می‌گذاریم، اما آسیب‌های ناشی از مستی اشرافی‌گری را کأنه درست نمی‌شناسیم؛ وقتی اشرافی‌گری، اسراف، و تجمل در جامعه وجود داشته باشد و ترویج بشود، این قضایا به دنبالش پیش می‌آید و به وجود می‌آید و همه دنبال این هستند که یک طعمه‌ای به دست بیاورند و خودشان را از آن سیر کنند، شکم‌ها را از این

مال‌های حرام پُر کنند. با این پدیده بایستی با جدّیت مقابله بشود؛ مسئله عزل کردن و برکنار کردن و برگرداندن آنچه از بیت‌المال به صورت نامشروع خارج شده است، این را در دستور قرار بدهند. این وظیفه همه است؛ مردم نسبت به این مسئله اهمّیت می‌دهند و اگر چنانچه این قضیه اتّفاق نیفتد و دنبال‌گیری نشود، اعتماد مردم به نظام کاسته می‌شود که این فاجعه بزرگی خواهد بود. بایستی با اقدام جدّی، اعتماد مردم را حفظ کرد.<sup>۶</sup>

## جهاد اقتصادی

### مبارزه جدی با قاچاق کالا

در موضوع قاچاق، بنده به مسئولین گفته‌ام که آقایان! وقتی شما آن باند قاچاقچی را پیدا می‌کنید و آن جنس کلان قاچاق را که چند هزار تُن وزن آن است، وارد کشور می‌کنید، این جنس را جلوی چشم همه آتش بزنید؛ ضربه بزنید به قاچاقچی، به جنس دارای مشابه داخلی. خب معلوم است وقتی که جنس خارجی وارد شد - چه از مبادی ورودی قانونی مثل گمرک و امثال اینها، چه از مبادی قاچاق که متأسفانه خیلی هم زیاد است - تولید داخلی می‌خواهد. وقتی تولید داخلی خواهید، همین وضعی پیش می‌آید که امروز هست: جوان ما بیکار می‌شود، اشتغال ما کم می‌شود، رکود بر کشور حاکم می‌شود، وضع زندگی و معیشت مردم دشوار می‌شود. اینها را که دیگر از طریق ارتباط با آمریکا و با اروپا نمی‌شود حل کرد، اینها را خودمان باید حل بکنیم. اینها کارهایی است که به عهده خود ما است.<sup>۸</sup>



## تکیه بر روی اقتصاد دانش بنیان

تکیه به استعداد درونی، تکیه به ظرفیت‌های داخلی کشور، تکیه به همین جوان‌ها، تکیه به ابتکاری که جوان‌ها می‌زنند، کاری که دنبال می‌کنند، دانشی که تحصیل می‌کنند، دانش تحصیل‌کرده‌ای که تبدیل به فناوری می‌کنند. ما ظرفیت‌هایمان زیاد است. آمارها نشان می‌دهد - البته این آمار مال چند سال قبل است - ما چند صد هزار واحد تولیدی کوچک داریم؛ خیلی مهم است! من بارها در سخنرانی‌ها تکرار کرده‌ام، مسئولین عزیز کشور در زمینه مسائل اقتصادی پردازند به واحدهای تولیدی کوچک و متوسط. ما چند صد هزار از این واحدها در کشور داریم. اینها را احیا بکنند، اشتغال به وجود می‌آید، ابتکار به وجود می‌آید.

ما تکیه می‌کنیم بر روی اقتصاد دانش بنیان؛ همین کارهای مهمی که حالا البته خوشبختانه چند سالی است در کشور شروع شده است لکن باید توسعه پیدا کند. تکیه می‌کنیم روی تولید داخلی.

بنده این همه تکیه کرده‌ام بر روی مصرف تولیدات داخلی. الان هم دارم به شما می‌گویم، به مردم عزیز کشورمان می‌گویم، بروید سراغ مصرف تولید داخلی، کارگر ایرانی را ترویج کنید، کار ایرانی را ترویج کنید. متأسفانه واقعیت قضیه این جور نیست. در بخش‌های مختلف - فرض کنید در وسائل زندگی منزل - کارخانه‌های داخلی مشغول کارند، جنس مرغوب و خوب و برابر با جنس خارجی، گاهی هم بهتر از جنس خارجی، تولید می‌کنند اما بازار که شما می‌روید، می‌بینید همه‌اش جنس خارجی است؛ چرا؟! اینها از کجا می‌آید؟! تأکید بنده بر روی اینکه جلوگیری از واردات محصولات که مشابه داخلی دارد، به‌خاطر این است.

آنچه بنده در دو کلمه می‌خواهم عرض بکنم این است که راه، تکیه بر مقدورات و امکانات داخلی و ظرفیت‌های خود این ملت است. ما خیلی ظرفیت داریم. این ملت ظرفیت‌های استفاده نشده زیاد دارد؛ اینکه ما در سیاست‌های برنامه،

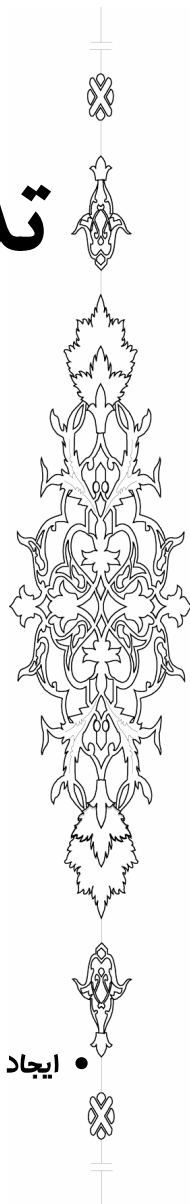
رشد هشت درصدی را در نظر گرفتیم و گفتیم باید کشور در طول برنامه به رشد هشت درصدی برسد، به خاطر ظرفیت‌های بی‌شماری است که در داخل وجود دارد. اوّل برنامه بعضی می‌گفتند رشد هشت درصدی در زمینه مسائل اقتصادی ممکن نیست؛ بعد خود مسئولین آمدند به ما گفتند نه‌خیر، همین که شما نوشتید درست است؛ رشد هشت درصدی امکان‌پذیر است؛ منتها خب کار لازم دارد، سیاست درست لازم دارد، راهبرد صحیح برنامه‌ریزی شده لازم دارد؛ با تنبلی و بیکارگی و اعتماد به دیگران نمی‌شود؛ باید با برنامه‌ریزی پیش رفت. این به خاطر ظرفیت کشور است؛ ظرفیت کشور خیلی بالاست.<sup>۸</sup>

## اشرافی گری بلای کشور

یکی از مهم ترین مسائل، جلوگیری از فساد داخلی است. این کاری که حالا مطرح شده و گفته شده است و مسئولین هم بحمدالله صریحاً اعلان کرده اند که جلوی این فسادها و این زیاده خواهی ها و زیاده خوری ها و این حقوق های گزاف را می گیرند - که در بعضی جاها هم بحمدالله شد؛ در بعضی از بخش ها و سازمان ها که به ما گزارش دادند، این اقدام تحقق پیدا کرد، عملی شد - بایستی فراگیر بشود، باید دنبال بشود، باید رها نشود این کار، جلوی فساد باید گرفته بشود. جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود؛ اشرافی گری بلای کشور است. وقتی اشرافی گری در قلّه های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ آن وقت شما می بینید فلان خانواده ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی گری فرهنگ شد، می شود این. جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که می دهند، باید ضدّ این جهت اشرافی گری باشد؛ کما اینکه اسلام این جوری است.<sup>۸</sup>

# تدابیر امنیتی و حفاظتی

• ایجاد امنیت و آرامش روانی



## ایجاد امنیت و آرامش روانی

### وزارت اطلاعات، پوسته سخت نظام

وزارت اطلاعات، پوسته سخت نظام است که به هیچ وجه نباید آسیب پذیر شود، بنابراین تقویت عناصر مهمی همچون ایمان و معنویت در این وزارتخانه باید بیش از هر دستگاه دیگری مورد توجه قرار گیرد. ... نسل جدید وزارت اطلاعات را همچون گذشته، ارزشی و انقلابی، رشد و ارتقا دهید. ... وزارت اطلاعات در هر بخشی که می تواند پایگاهی برای کمین دشمن و ضربه زدن به نظام اسلامی قرار بگیرد، باید حضور داشته باشد و آن بخش را حوزه کاری خود بداند.<sup>۹</sup>

# تدابیر حقوقی و قانونی

- قانون گرایى و ضابطه گذارى
- انطباق کلیه امور با مازین شرعى

## قانون گرایى و ضابطه‌گذارى

### تأثیرگذارى قوه قضاییه

#### در سیاست‌های کلان

دستگاه قضایی از جهت وظایف ذاتی همچون نظارت بر اجرای قانون، و پیشگیری از جرم و همچنین از جهت حضور رئیس قوه قضاییه در شوراهای عالی و اصلی نظام و تأثیرگذاری در سیاست‌های کلان، دارای اهمیت بسیار بالایی است. ... به دلیل این اهمیت مثال زدنی، اقدامات و عملکرد قوه قضاییه همواره از حساسیت خاصی برخوردار بوده و همچنین این قوه هدف تهاجم‌ها و تبلیغات سوءزیادی قرار دارد. ... تبلیغات مغرضانه رسانه‌های بیگانه و تهاجم به قوه قضاییه، در دوره کنونی افزایش بیشتری پیدا کرده که دلیل آن مواضع انقلابی، ارزشی و صریح رئیس دستگاه قضایی و مسئولان عالی این قوه است.<sup>۲</sup>



## لزوم انعکاس خدمات قوه قضاییه

یکی از کارهای بسیار ضروری در قوه قضاییه ، انعکاس خدمات این قوه و اطلاع رسانی آن‌ها به مردم می باشد باید برای انعکاس حجم سنگین کارهایی که در دستگاه قضایی انجام می گیرد، از شیوه‌های جدید و جذاب اطلاع رسانی و تبلیغی استفاده شود. آموزش جذاب مسائل عمومی ، حقوقی و قضایی به مردم را موجب کاهش مراجعه به دادگستری‌ها خواندند و به مسئولان قضایی توصیه کردند فراهم کردن زمینه استفاده مردم از مشورت‌های قضایی ۲۴ ساعته را مورد توجه جدی قرار دهند. ... فعال تر شدن قوه قضاییه در پیگیری حقوقی قضایای بین‌المللی را ضروری دانستند و افزودند: پیگیری حقوق پایمال شده ملت ایران به علت تحریم‌ها، در دستور کار قضایی قرار گیرد.<sup>۲</sup>

## حفظ سلامت قوه قضاییه

### عامل جلب رضایت مردم

«حفظ سلامت قوه قضاییه» را اصلی ترین عامل جلب رضایت مردم دانستند و تأکید کردند: باید در داخل قوه قضاییه با افراد متخلف و فاسد در همه استان ها و شهرها، با جدیت و قاطعانه برخورد شود و این شیوه باید استمرار یابد. ... سلامت قوه قضاییه را در درجه اول اهمیت قرار دهید و آن را یک کار اساسی بدانید. ... همچنین بر ضرورت اطلاع رسانی در خصوص برخورد با افراد خاطی در داخل دستگاه قضایی تأکید کردند. ... معدود افرادی که در داخل قوه قضاییه مرتکب فساد و اقدامات خلاف می شوند، علاوه بر خیانت به مدیران و کارکنان خدوم و زحمتکش دستگاه قضایی، به مردم نیز ظلم می کنند. .. برنامه محوری و زمان بندی برای اجرای برنامه ها، پیشگیری از جرم و اصلاح قوانین را از دیگر الزامات اهمیت بسیار بالای قوه قضاییه و خروجی مطلوب این قوه برشمردند و با تأکید مجدد بر

لزوم کاهش مجازات حبس گفتند: باید با استفاده از افراد صاحب نظر و کارشناسان مجرب، برای مجازات‌های جایگزین زندان برنامه‌ریزی و طراحی شود.<sup>۲</sup>

## انطباق کلیه امور با موازین شرعی

### احیای حقوق بشر اسلامی

#### در سطح جهان

حقوق بشری که غرب می‌گوید بر مبنای غلطی تنظیم شده و لازم است حقوق بشر اسلامی با پایه‌های متقن و عقلانی در افکار عمومی جهان و مجامع حقوقی تبیین و پیگیری شود. ... ایشان اعلام رسمی «چشم بستن سازمان ملل بر جنایت جاری و کودک کشی در یمن را در ازای گرفتن پول از برخی کشورها»، باعث شرمندگی بشریت خواندند و افزودند: این رسوایی، ضد حقوق واقعی بشر است و باید در سطح جهان، روی آن کار حقوقی و قضایی کنیم.

# تدابیر برون مرزی

• جهت گیری در جهان اسلام - بیداری اسلامی

• جهت گیری در جهان اسلام

• جهت گیری در مصاف با استکبار

## جهت گیری در جهان اسلام - بیداری اسلامی

### حاکمیت اقلیت مستکبر در بحرین

مسئله بحرین جنگ شیعه و سنی نیست، مسئله حاکمیت جائزانه ابلهانه یک اقلیت مستکبر خودخواه بر یک اکثریت گسترده است. یک اقلیت کوچکی بر هفتاد درصد، هشتاد درصد مردم بحرین دارند حکومت می کنند؛ حالا هم این عالم

مجاهد، آقای شیخ عیسی قاسم را مورد تعرض قرار داده‌اند؛ این حماقت آن‌هاست، این بلاهت آن‌ها را نشان می‌دهد. شیخ عیسی قاسم کسی بود که تا امروز و تا وقتی که می‌توانست با مردم حرف بزند، از حرکات تند و مسلحانه مردم جلوگیری می‌کرد، مانع می‌شد. نمی‌فهمند که با چه کسی درافتاده‌اند، نمی‌فهمند که تعرض به شیخ عیسی قاسم یعنی برداشتن مانع از مقابل جوان های پُرشور و پُرحماسه بحرینی که اگر بیفتند به جان نظام حاکم، از هیچ راه دیگری نمی‌توانند آن‌ها را ساکت کنند. این‌که عرض می‌کنیم محاسبات‌شان غلط است، یک نمونه‌اش این است: محاسبه غلط بر اثر نفهمیدن وضعیت جامعه و وضعیت مردم و ایمان مردم و شناختن مردم.<sup>۳</sup>

## پرورش تروریسم

### در دنیای اسلام

در بغداد چند صد خانواده، داغ عزیزانشان را دیدند به دست جنایت‌کاران و تروریست‌ها و کسانی که می‌خواهند اسلام جعلی و بدلی را به دستور اربابان خودشان در میان مردم رایج کنند. همچنین در استانبول، در بنگلادش، در بعضی از کشورهای دیگر، مردم در ایام ماه رمضان با دهان روزه مورد تهاجم‌های تروریستی قرار گرفتند. این نتیجهٔ پرورش دادن تروریسم به وسیلهٔ دستگاه‌های امنیتی و دست‌های ناامن دستگاه‌های آمریکا و صهیونیست و انگلیس است که این چیزها را در دنیای اسلام به وجود آورده‌اند؛ البته خودشان هم آسیب خواهند دید - همچنان‌که بتدریج دارند می‌بینند - اما این گناه آن‌ها و جرم آن‌هاست؛ این جرمی است که فراموش نخواهد شد. متأسفانه در ماه رمضان در برخی از کشورهای اسلامی - در سوریه، در یمن، در لیبی و در برخی نقاط دیگر - آتش جنگ برافروخته بود که انسان حقیقتاً غمگین



می‌شود از اینکه دنیای اسلام در یک چنین وضعیتی قرار دارد. بعضی، منازعات سیاسی را تبدیل به جنگ داخلی کردند. منازعه سیاسی یک حرف است، جنگ داخلی یک حرف دیگر است؛ این دخالت ابرقدرت‌ها بود که این کار را در سوریه و در بعضی از جاهای دیگر انجام دادند. در یمن، امروز بیش از یک سال و سه ماه است که مردم زیر بمباران‌ها قرار دارند؛ اما باز هم آفرین به مردم یمن که در روز قدس توانستند آن راه‌پیمایی عظیم را در آن هوای گرم و با وجود بمباران‌ها به راه بیندازند؛ مرحبا به آن مردم، مرحبا به رهبری حکیمانه مردم یمن! در سوریه هم مردم دچار حادثه بزرگی هستند که استکبار بر آن‌ها تحمیل کرده است.<sup>۶</sup>

## جهت‌گیری در جهان اسلام

### تجاوز به یمن یک فاجعه

خب مسئله یمن را شما ملاحظه کنید. آنچه در یمن دارد اتفاق می‌افتد یک فاجعه است، یک فاجعه است! یک سال و چند ماه است که این مردم به یک دلیل واهی به وسیله یک کشور به اصطلاح اسلامی دیگر مورد تهاجم‌اند، بمباران می‌شوند، نه اینکه جبهه‌های جنگ بمباران بشود؛ بیمارستان بمباران می‌شود! خانه‌های مردم بمباران می‌شود! مساجد بمباران می‌شوند! زیرساخت‌های کشور دارد نابود می‌شود! این وضع قابل دوام نیست؛ متجاوز بایستی از تجاوز دست بردارد و دنیای اسلام باید متجاوز را تنبیه بکند تا کسانی به فکر تجاوز نیفتند.<sup>۵</sup>

## زنده نگه داشتن مسئله فلسطین

این ماه، ماه ضیافت الهی بود. ضیافت الهی، پذیرایی الهی را با خود دارد؛ و پذیرایی الهی در این ماه، نورانیت دلهاست، مغفرت گناهان است، توفیق کارهای بزرگ و نیکو است. یکی از مهم‌ترین این کارها، همین راه‌پیمایی عظیمی بود که در جمعه آخر ماه مبارک در روز قدس، به توصیه و تأکید امام بزرگوار ما در سرتاسر کشور انجام گرفت، در بسیاری از کشورهای دیگر مسلمان هم انجام گرفت. در بعضی از شهرهای ما در روز جمعه قدس؛ حرارت به قدری بود که به طور طبیعی، انسان در آن حرارت حرکت نمی‌کند؛ اما مردم آمدند شرکت کردند؛ در همه جای کشور و به خصوص در آن شهرهایی که در استان‌های گرم قرار دارند، استان‌های جنوبی کشور. حقیقتاً مردم مجاهدت کردند؛ با دهان روزه، زیر آفتاب، آمدند تا موضع خود را در قبال مسئله مهم فلسطین فریاد کنند. این معنایش این است که اگر برخی دولت‌ها ی مسلمان، به آرمان فلسطین

خیانت می‌کنند، بعضی‌ها کوتاهی می‌کنند، بعضی از ملّت‌ها خبر ندارند، ملّت ایران با حضور خود و با فریاد خود، حاضر است در مقابل همه دشمنان بایستد و مسئله فلسطین را زنده کند.<sup>۶</sup>

### آزادی فلسطین یک مبارزه همگانی

تلاش دشمنان برای به فراموشی سپردن مسئله فلسطین است. می‌خواهند دنیای اسلام را درگیر مسائل داخلی خودشان بکنند که مسئله فلسطین را فراموش کنند و فرصتی برای رژیم صهیونیستی به وجود بیاید تا آن اهداف خباثت‌آمیز خودش را دنبال کند. ما باید بدانیم مبارزه برای آزادی فلسطین یک مبارزه اسلامی است، یک مبارزه همگانی است، یک مبارزه عربی صرف نیست؛ این وظیفه مسلمان‌هاست که در همه‌جای دنیا، به هر شکلی که می‌توانند، این مبارزه را، این فریاد را، این حرکت را ادامه بدهند. فروکاستن این مسئله به این مهمی به یک مسئله داخلی عربی، مطلب غلطی است.<sup>۶</sup>

## میان داری جمهوری اسلامی

### در گذر از یک پیچ تاریخی

دنیای اسلام امروز در یک مرحله حسّاس تاریخی دارد به سر می برد. اینهایی که شما ملاحظه می کنید - آل سعود آن جوری، یمن آن جوری، عراق این جوری، سوریه آن جوری، مسائل مربوط به آمریکا، مسائل مربوط به رژیم صهیونیستی، کارهایی که در منطقه می کنند، تصمیم هایی که می گیرند، فشاری که روی جمهوری اسلامی می آورند - یک مجموعه کار است، یک هدفی دارد دنبال می شود. در یک چنین شرایطی که دنیای اسلام در واقع از یک پیچ تاریخی دارد عبور می کند، ما وظایفی داریم، ما تکالیفی داریم؛ هر کداممان به یک نحوی، نمی توانیم غفلت کنیم از نیازهای امروز دنیای اسلام؛ در رأس این نیازها هم، نیازهای جمهوری اسلامی است؛ چون جمهوری اسلامی میان دار این حادثه عظیم است. بله، بازیگران بسیارند؛ کنندگان و کنشگران و فعالان در دنیای اسلام زیادند، از همه نوعش؛ اما میان دار، جمهوری اسلامی است. مطمئناً اگر جمهوری اسلامی نبود، اگر امام بزرگوار نبود، اگر آن فریاد ملکوتی مکی به سنت های الهی در این کشور نبود، این حوادث در دنیای اسلام نبود و استکبار بدون هیچ گونه مانعی کار خودش را دنبال می کرد و هیچ احتیاجی به این همه چالش هم نداشت، این همه مشکل هم برای استکبار وجود نداشت.<sup>۷</sup>

## هدف استکبار جهانی ایجاد اختلاف

### بین ملت‌های مسلمان

ما امروز مشکل‌مان این است؛ استکبار جهانی و استعمار، از یکی دو قرن پیش، مصلحت خود را در این دانست که بین ملت‌های مسلمان اختلاف بیندازد. مصلحت را در این دانست، چرا؟ چون در این صورت می‌توانست ثروت‌های اینها را غارت کند، اینها را از پیشرفت‌هایی که حق آنها بود باز بدارد؛ استثمار کند. قدرت‌های جهانی به برکت علمی که پیدا کرده بودند و فناوری‌ای که پیدا کرده بودند و سلاح‌هایی که ساخته بودند، هدف‌شان را این قرار دادند و متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند. اینکه ما از اوّل انقلاب تا امروز دائم دست‌دوستی را به سمت ملت‌های مسلمان و به سمت دولت‌های مسلمان دراز کردیم، دعوت کردیم به اتحاد، به وحدت، به ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن، به‌خاطر این است.<sup>۸</sup>

## اهداف استکباری آمریکا در منطقه

دربارهٔ مسائل منطقه. منطقه هم، امروز منطقهٔ پُرغوغایی شده است؛ اینجا هم وقتی نگاه می‌کنیم، باز پای آمریکا در میان است. بله، اینکه دولت سعودی علناً با رژیم صهیونیستی بنا کند به مُغازله کردن و رفت‌وآمد را علنی بکند، خنجری است بر پشت اُمّت اسلامی. شکی نیست که این کاری که سعودی‌ها کردند - ارتباطات آشکار با رژیم صهیونیستی - این واقعاً خنجری است که از پشت بر اُمّت اسلامی وارد شد؛ خیانت بزرگی کردند، اینها گناه‌کارند، لکن اینجا هم دست آمریکا در میان است. دولت سعودی چون تابع آمریکاست، چون مسخر آمریکاست، چون چشمش به دهان آمریکاست، این غلط بزرگ را انجام داد؛ اینجا هم پای آمریکا در میان است. یا اگر شما می‌بینید که یمن قریب یک‌سال و نیم است که دارد بمباران می‌شود؛ شوخی است؟! یک کشور را، آن هم نه مراکز نظامی‌اش را، بلکه بازارها را، بیمارستان‌ها را، خانه‌های مردم را، اجتماعات را، میدان‌ها را، مدارس را، بیایند همین‌طور بمباران کنند! این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی جرم بزرگی است. نه ماه رمضان بفهمند، نه ماه حرام بفهمند، نه ملاحظهٔ کودک بکنند، این همه کودک‌کشی بکنند، خب این هم جرم بزرگی است که متأسفانه دولت سعودی مرتکب این جرم هم شده؛ اما این هم با پشتوانهٔ آمریکاست.<sup>۸</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۵/۰۴/۲ دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت با رهبر انقلاب
۲. ۹۵/۰۴/۰۲ (گزارش خبری) دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب
۳. ۹۵/۰۴/۵ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم
۴. ۹۵/۰۴/۱۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان
۵. ۹۵/۰۴/۱۶ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی
۶. ۹۵/۰۴/۱۶ بیانات رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر
۷. ۹۵/۰۴/۲۴ بیانات در دیدار جمعی از شاعران آئینی و مداحان خراسان
۸. ۹۵/۰۵/۱۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
۹. ۹۵/۰۵/۱۹ (گزارش خبری) دیدار وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب
۱۰. ۹۵/۰۵/۳۱ بیانات در دیدار انجمن جماعات مساجد استان تهران